

قیام امام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

احمد میرفندرسی

مروری بر دکنترین ریگان

هادی بهزاد

سیاست دفاعی جدید امریکا

مسابقه تسلیحاتی در زمینه موشک های بالیستیکی (قاره پیمای) در چهارده سال قبل هنگام سفر تاریخی ریچارد نیکسون به اتحاد شوروی با اضمحلالی موافقت نامه سالت بین او و بریتانی در مسکو محدود گردیده بود. اهمیت سالت ۱ که هنوز از درجه اعتبار ساقط نشده است ولی هر یک از طرفین متعاهدتین می تواند بنا بقیه در صفحه ۲

رونا لدریکان ۲۷ مه امسال فاتحه سالت ۲ (۱) را به شرح زیر خوانند: "تصمیمات استراتژیکی ما از این پس بدون توجه به قیود منسبت در موافقت نامه سالت ۲ و با در نظر گرفتن طبیعت و میزان خطرناکی از نیروهای شوروی اتخاذ خواهد گردید." با این بیان محدودیت های دست و پا گیر در مسابقه تسلیحاتی هسته ای از میان برداشته شد.

بی دریغ خط بطلان می کشند، حالا چه رسد که کسی کلامی هم از آینه و حکایت نظم جان نشین بگوید که یک پارچه آتش می شوند و تیغ اعتراض و شکایت بر سر می کشند که: چرا فلان و بهمان نمی جنبند؟ - چرا به قلم سخن "جسیده اند؟ چرا حرف را بجای عمل نشانده اند؟ - که عمل هم درقا موستان تنها در یک جمله، نه بیشتر و نه کمتر معنا شده است: "سرکوب بی درنگ رژیم ۱" - آنچه جز این بگوئید و بخواهید از آغاز تا انتها باطل است.

اصحاب عمل!

آرزوی نجات از جنگ رژیمی که بی هیچ مبالغه "جنایت و فاجعه" معانی عجیب و تازه ای بخشیده است، گاه بر روحیات بعضی چنان سنگینی می کند که بر امر "تدارک و راهیابی و تاءمل و طرح"

بحران در ارتش ایران

به گزارش عناصر صرملی، با وجود تهدیدهای مکرر رژیم، تعداد دسریان فراری از جبهه های جنگ در هفته های اخیر افزایش یافته است. سربازانی که به جبهه های سها، تنها چند هفته آموزش نظامی دیده اند، از سوی دولت اسلامی با شتاب روانه خط مقدم جبهه ها می شوند و به علت عدم کارائی رزمی قادر به نبرد نیستند و از جبهه ها فراری می کنند. اخیراً لشکر سوم خرم آباد دو برورد که متشکل از اینگونه سربازان تعلیم نیافته بود، در ناحیه میهران در نخستین روزهای نبرد در صدمه از افراد خود را از دست داد. سربازان تعلیم ندیده و وخت زده، بر اثر مشاهده مرگ همکاران از همزمان خود ناگزیر یا به فرار گذاشتند. یکی از سربازان فراری می گفت در حالیکه عراقی ها از صدها تا یک و تویخانه و تجهیزات استفاده می کردند، ما با سلاح های فرسوده و تعدادی آتشبار در مقابل آن ها صف آرایی کرده بودیم. عناصر صرملی می افزایند با وجود تهدیدهای مکرر رژیم، با نزده درصد از افراد مشمول و سربازان، طی سه هفته اخیر از خدمت گریخته اند. بطور کلی وضع در درون ارتش خوب نیست و هر روز آشفته تری شود. دو ماه است که حقوق سربازان، درجده داران و افسران خط مقدم جبهه و نیز کمک عامله مندی افراد واحدهای سگانه ارتش برداخت نشده است و با وجود اعتراض های مکرر نشانه ای دال بر برداخت مزایای شغلی ارتشیان آن هم در شرایط سخت گرانی، مشاهده نمی شود.

عناصر صرملی در گزارش خود می گویند: اخراج یا انتقال کارمندان زن در ادارات ارتش که بنا به دستور خامنه ای طرح ریزی شده بود، دوباره از سر گرفته شده است و اوراقی میان کارمندان زن توزیع کرده اند تا وزارت خانه های را که ما بیلند در آن ها خدمت نمایند، تعیین کنند. عناصر صرملی می افزایند: کار تحقیق نظامیان و مساءله انحلال ارتش مجدداً "جونگران کننده ای در ارتش بوجود آورده است. در مراسم رسمی ارتشیان را از سرهنگ به پایین به طرز توهین آمیز مورد با زسی بدنی قرار می دهند. بعنوان مثال، روز بقیه در صفحه ۹

گفتگوی اختصاصی با ژان - پیر پرونسل هوگژ، روزنامه نگار و اسلام شناس:

بنیادگرایی اسلامی چشم بر آینده فرو بسته است

ژان - پیر پرونسل - هوگژ، دبیر و نویسنده مسائل اسلامی روزنامه لوموند، سال ۱۹۴۰ در ماریس دنیا آمد. او که بر زبان عربی تسلط کامل دارد، سالهایی چند بعنوان نماینده روزنامه لوموند در الجزایر و مصر برورد. پرونسل - هوگژ در ادبیات و تاریخ و احکام اسلامی مطالعات وسیعی دارد و افزون بر آن به علت رابطه همیشگی با کشورهای مسلمان، در جریان کتب و رویدادهای سیاسی و دینی این کشورها قرار دارد. سال ۱۹۷۴، کتاب "قلمرو عرب" اثر پرونسل - هوگژ از طبع خارج شد که با تحسین اسلام شناسان اروپا و گشت، کتاب دیگر این نویسنده، "تخته نجات محمد" به سال ۱۹۸۲ طبع و نشر شد که بخش هایی از آن در قیام ایران ترجمه و طبع شده است.

قیام ایران در گفتگویی با این روزنامه نگار اسلام شناس به مسائل کنونی کشورهای مسلمان، نهضت های بنیادگرا و روی آوری این نهضت ها به خشونت و تروریسم پرداخته است که ز نظر تان می گذرد. بقیه در صفحه ۴

سربازان فراری می گفت در حالیکه عراقی ها از صدها تا یک و تویخانه و تجهیزات استفاده می کردند، ما با سلاح های فرسوده و تعدادی آتشبار در مقابل آن ها صف آرایی کرده بودیم. عناصر صرملی می افزایند با وجود تهدیدهای مکرر رژیم، با نزده درصد از افراد مشمول و سربازان، طی سه هفته اخیر از خدمت گریخته اند. بطور کلی وضع در درون ارتش خوب نیست و هر روز آشفته تری شود. دو ماه است که حقوق سربازان، درجده داران و افسران خط مقدم جبهه و نیز کمک عامله مندی افراد واحدهای سگانه ارتش برداخت نشده است و با وجود اعتراض های مکرر نشانه ای دال بر برداخت مزایای شغلی ارتشیان آن هم در شرایط سخت گرانی، مشاهده نمی شود.

بقیه در صفحه ۱۰

سوریه - عراق

تعویق کنفرانس وزرای امور خارجه

روز سیزدهم ژوئن، دقایقی پیش از برپایی اجلاس وزرای امور خارجه سوریه و عراق خبرگزاری ربه ای دو کشور گسزارش تعویق این دیدار را منتشر کردند، بدون آنکه تاریخ دیدار آینده را تعیین کنند. مقامات اردن که امید بسیار به این دیدار برای عادی سازی روابط دو کشور عرب بسته بودند، کوشیدند تا این تاخیر تعویق را ناشی از "جزئیاتی بی اهمیت" بقیه در صفحه ۱۰

ح. منکان

قضیه آن دو ذرع پارچه

زدن به جمهوری اسلامی چهره پاک فرزندان اسلام را در نظر جهان نیان ضایع کند. در نتیجه بجای آن که از همان ابتدا برده آزادی حقیقت برگرداند و آشکار سازند که تریاک ها را امپریالیسم نابکار در چمدان جای داده است دچار برانگیزه گویی شدند. مادق طبا طبائی به پلیس فرودگاه گفت این ها دو است و برای عمده ای که مریض است می برم. این، اولین اشتباه بود. بدلیل اینکه در مراحل بعدی مادق طبا طبائی نتوانست خودش را نسبت به موضوع بیگانه نشان دهد و مدعی شد که قربانی یک دسیسه امپریالیستی شده است. اشتباه دوم این بود که سفارت جمهوری اسلامی در جواب استعلام پلیس، ماء موریت سیاسی مادق طبا طبائی را منکر شد و جواب داد چگونه خودتان اجازه می دهید که تصور کنید یک قاچاقچی می تواند از طرف جمهوری اسلامی ماء موریت سیاسی داشته باشد یا از آن بدتر، یک ماء مورسیسی جمهوری اسلامی ممکن است مرتکب قاچاق بشود؟ نتیجه اینکه دوروز بعد، وقتی از بیت امام دستور رسید به پلیس آلمان اعلام شود که مادق طبا طبائی سی دارای ماء موریت مهم سیاسی بوده است دیگر کارا زکار گذشته بود و نمی توانستند او را با عذرخواهی از زندان آزاد کنند.

بقیه در صفحه ۱۲

قابل توجه خوانندگان عزیز

بطوریکه ملاحظه فرموده اید ما از شماره ۱۵۲ قیام ایران یک فورم تقاضای اشتراک در نشریه چاپ کرده ایم. این فورم در این شماره و شماره های بعدی چاپ شده و خواهد شد. در نتیجه نشریه قیام ایران تا شماره ۱۵۷ مورخ ۵ تیرماه ۱۳۶۵ برابر ۲۶ ژوئن ۱۹۸۶ به آدرس های سابق کماکان ارسال خواهد شد. ولی از شماره ۱۵۸ مورخ ۱۲ تیرماه ۱۳۶۵ برابر ۳ ژوئیه ۱۹۸۶ - تنها برای کسانی که فورم اشتراک کنونی را تکمیل کرده و فرستاده باشند نشریه ارسال خواهد گردید. مشترکین عزیز که از طریق بانک یا پست وجه اشتراک را حواله می فرمایند باید الزاماً "قبض رسید بانکی یا پستی را ضمیمه نمایند.

تروریسم تبلیغاتی

و تروریسم دیپلماتیک

در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۱

پیش آگهی شش ماهه آن را فسخ کند در اینستکه موانعی سر راه تقویت بنیه دفاعی ضد موشکی طرفین قرار داده است. به عبارت دیگر هر یک از طرفین باید در پرا بردگری آسیب پذیر باشد تا اینکه تعادل وحشت که مهمترین جنبه روابط دوا بر قدرت است محفوظ بماند. سی سال پیش از این پروفسور اوپن ها یمر دانشمند آلمانی که پس از جنگ جهانی دوم به خدمت ایالات متحده درآمد بود و معروف به پدر بمب اتمی است در بیانی بسیار رسا تعادل وحشت را چنین توصیف می کرد: "ایالات متحده و اتحاد شوروی با سلاح های هسته ای خود به دو عترب می مانند که در شیشه ای جدا دارند. هر یک میتواند دیگری را منتها به بهای جان خودش از بیسن ببرد."

تردید نیست سلاح مطلق آن خواهد بود که به ما حش اجازة دهد ضربه نا بسود کننده اول را بزند و از ضربه متقابل طرف مصون بماند. بدیهی است آرزوی هر دو ا بر قدرت دسترسی به چنین سلاح رسیدن به مرحله آسیب نا پذیری است. در حال حاضر تنها ایالات متحده است که تصویری کند با افراشتن "چتر ضد موشکی" در آسمان آمریکا خواهد توانست کشور را به مرحله آسیب نا پذیری برساند یا به عبارت دیگر ضربه تلافی جویانه را خنثی کند. چتر ضد موشکی با همان ابتکار دفاعی استراتژیکی (۲) (جنگ ستارگان) با قیود نا شی از سال ۱۹۶۰ (۳) تناقض دارد.

ریگان از آغاز با سالت ۲ که توسط کارتر و برزنف در بین در هفت سال پیش به امضا رسید مخالف بود و در مبارزات انتخاباتی خود علیه کارتر از این موافقت نامه بعنوان "توافق قلابی" یاد می کرد ولی پس از حراز مقام ریاست جمهوری در صد فسخ آن بر نیامد و اظهار داشت ما دم که شوروی ها آنرا نقض نکنند ما آن را رعایت نخواهیم کرد. ولی جسته و گریخته انتقاداتی از سالت ۲ از طرف ریاست جمهوری و همکارانش بعمل می آمد. روش کج دار و مسریز درست همان رویه ای بود که ریگان در مورد سالت ۲ دنبال می کرد.

در مورد فسخ سالت ۲ دو عقیده وجود دارد. عده ای معتقدند ریگان با این فن می خواهد گوربا چف را در مذاکرات تحدید تسلیحات که در ژنو برگزار میشود مجبور به گذشت های عمده کند. جمعیتی دیگر این اقدام را به مراتب مهمترین نیرنگ سیاسی تلقی می نمایند و آنرا قدمی تاریخی در سیاست دفاعی آمریکا میدانند.

موافقت نامه سالت ۲ به طور کلی مربوط به تعهدات و ترکیب سلاح های هسته ای است. تهاجمی می گردد. این موافقت نامه نه تنها به تصویب سالی آمریکا نرسید بلکه پس از تسلیم آن به سنا از طرف کارتر پس گرفته شد زیرا چو روابط بین واشنگتن و مسکو در نتیجه لشکر کشی شوروی ها به افغانستان طوری تیره شده بود که هیچ امیدی به تصویب آن نمی رفت. از این لحاظ از نظر سالت ۲ ایالات متحده فاقد اعتبار قانونی بود. ایراد دیگری که مخالفان سالت ۲ می گرفتند این بود که در موافقت نامه مذکور گذشت های بلاعوضی در مورد موشک های بالیستیکی (قاره پیمای) سنگین مستقر روی زمین نسبت با تعداد شوروی منظور شده بود.

اولیبل زمستان سال گذشته شایعه فسخ سالت ۲ قوت گرفت. زیرا همسان او ان گزارش مبسوطی در مورد نقض مقررات سالت ۱ و سالت ۲ از طرف اتحاد شوروی از کاخ سفید به کناره رسال گردید.

آنچه به نظر کاخ سفید نقض مقررات سالت ۲ بشمار می رود اینستکه اتحاد شوروی گذشته از موشک اس اس ۲۴ متحرک و یک کلاهکی، موشک سنگین جدید اس اس ۲۵ با ده کلاهک به زرادخانه خود افزود. است. در صورتیکه بنا به مقررات سالت ۲ طرفین حق دارند فقط یک نوع موشک جدید داشته باشند. ایراد دوم اینستکه اتحاد شوروی موشک متحرک جدید اس اس ۱۶ به میدان آورده است. ایراد سوم اینستکه مسکو مرتباً هنگام آزمایش موشک هسلا علائم الکترونیکی را بشکل رمز بیسه مهندسان مسئول مخابره می کنند در نتیجه امکان هر نوع کنترل و ممیزی کننده موافقت نامه پیش بینی شده است از بین می رود به عبارت دیگر معلوم

مروری بر دکتربین ریگان

سیاست دفاعی جدید آمریکا

نمی شود موشک ها از آزمایش خوب یا بد بیرون آمده اند. در مورد سالت ۱ یا آ ۱ بی . ام ایرادی که به شوروی ها می گیرند اینستکه بر خلاف مقررات موافقت نامه در کرانها بارک واقع در قلب سیبری مجتمعی از رادارهای خیلی دقیق وجود آوردند. طبق موافقت نامه، نصب چنین رادارهایی فقط در مرزهای کشور و آن هم بطرف خارج مجاز می باشد. به عقیده ناظران امور تسلیحاتی و سائل مربوط به خلع یا کنترل سلاحها رخ سالت ۲، ما نوری بیش نیست و هدف در واقع از میان برداشتن موافقت نامه سالت ۱ است. موافقت نامه مذکور چنانکه در بالا ذکر شد مربوط به تنظیم و گسترش و تحقیق در موشکهای ضد موشک است. از این جهت ما سعی بزرگ برای تحقیق درباره سلاحهای دفاعی و اجرای برنامه ابتکار دفاعی استراتژیکی یا جنگ ستارگان است. بنا بر این کاخ سفید در آینده بیش کم نزدیک مجبور به انتخاب بیسن رعایت موافقت نامه مربوط به موشکهای ضد موشک (سالت ۱) و ادامه برنامه ابتکار دفاعی استراتژیکی (جنگ ستارگان) خواهد شد.

پیشنهاد جدید شوروی

تحول اخیر در سیاست دفاعی آمریکا از نظر اتحاد شوروی مخفی نباشد. است مقابله با آن کرملین به کاخ سفید بطور نیمه رسمی اظهار داشته حاضر است به تقبیل فاحشی در سلاحهای تهاجمی تن در دهد. بشرط اینکه موافقت نامه سالت ۱ مورخ سال ۱۹۷۲ تحکیم گردد و ایالات متحده تعهد کند که موافقت نامه مذکور را تسلیت بیست سال دیگر محترم خواهد شمرد. در پیشنهاد اتحاد شوروی که به هر دری برای جلوگیری از اجرای برنامه جنگ ستارگان می زند یا به عبارت دیگر تمام کوشش خود را بکار می برد تا رقیب به سلاح مطلق دست نیابد نکته تازه که در واقع گذشت نسبتاً مهمی است وجود دارد و آن اینستکه تا کنون کرملین توافق در مورد سلاحهای تهاجمی را شرط به انصراف می چون و چرای ایالات متحده از تحقیق در زمینه ابتکار دفاعی استراتژیکی کرده بود. با پیشنهاد اخیر مسکو دیگر صحبت از انصراف کامل از تحقیق نمی کنند فقط خواستار تحکیم سالت ۱ یعنی موافقت نامه مربوط به موشک ضد موشک یا به سخن دیگر تدا بی دفاعی ضد موشک گردیده است بدین ترتیب مسکو به تحقیق وحشی بعضی آزمایش ها را می شده است. ریگان به هیچ عنوان حاضر نیست از ابتکار دفاعی استراتژیکی که در تصور او باید مایه برتری آمریکا بر روسیه شوروی و راه گشای سیاست و نسبت به کرملین گردد دست بردارد.

فلسفه سیاسی ریگان

برتری جوئی نظامی بخودی خود هدف نیست. وسیله ایست برای اجرای برنامه وسیعی که بر پایه جهان بینی و تفکر سیاسی رئیس جمهوری ایالات متحده استوار است. جهان بینی و تفکر سیاسی ریگان در اظهارات و بیانه های متعدد با وضوح کمتری متعین است. شاید گویا ترین آن ها بیام می باشد که در ماه مارس ۱۹۸۶ تحت عنوان "آزادی، امنیت ناحیه ای و صلح همه جانبه" به کنگرس فرستاد. در این بیام مهمترین مسئله سیاست خارجی آمریکا که مقابله با قدرت شوروی در جهان سوم باشد مطرح است. هدف اصلی ریگان در این بیام اینستکه به اتحاد شوروی گوشزد کند سیاستی که کرملین در دهه هفتاد اعمال می کرد دیگر قابل اجرا نیست. برای اینکه جلوی چنین سیاستی را بتوان گرفت باید نفوذ شوروی را سد کرد تا پیش از پیش گسترش پیدا نکند. از این گذشته نباید گذاشت که مسکو مواضعی را که به جنگ آورده است تحکیم کند و در مرحله

نهایی با یاد آنرا از آن مواضع بیرون راند. به سخن دیگر قصد ناکی کشیدن خط بطلان بر تمام موفقیت های سیاسی اتحاد شوروی در دهه گذشته میباشد. ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم در برابر اشتهای سیاسی فراوان استالین با دکتربین ترومن سیاست انسداد را دنبال می کرد. بعبارت دیگر سدها شی جلوی سیاست نفوذی شوروی مخصوصاً در ایران و ترکیه و یونان بوجود آورد امروز ریگان سیاست انسداد را کماکان دنبال می کند. یعنی میکوشد مناطقی جدیدی زیر نفوذ اتحاد شوروی قرار نگیرد ولی در عین حال به نیروهای که علیه رژیم کمونیستی و دست نشانده مسکو مبارزه می کنند هم جور کمسک می رساند. (کا میوج، افغانستان، در آنگولا). بدین ترتیب کار از انسداد گذشته در مواردی که افغانستان گویا ترین آنست به پس راندن کشیده شده است و وقتی ثابت شد رژیم های دست نشانده مسکو شکست پذیر است و انقلاب کمونیستی را می شود ریشه کن کرد زمین زیر کرملین بلرزه در خواهد آمد و اساس امپراطوری متزلزل خواهد شد. ولی ریگان در بیام خود نکته دیگری را هم متذکر میگردد و آن اینستکه جنگ های ناحیه ای که پای کرملین را به میدان بکشد برای روابط آمریکا و شوروی خطرناک و بحال ملی که خاکشان عرصه تاخت و تاز ا بر قدرت ها قرار گیرد بسیار مضراست. از این جهت صلاح در اینستکه طرفین در این قبیل اختلافات ناحیه ای سلاح را زمین بگذارند و در صدد جستجوی راه حل سیاسی برآیند.

راه حل سیاسی مستلزم مذاکره است. ولی مذاکره در چه مورد و چه وقت؟ اختلافات یا جنگ های با ملاحظاتی در حقیقت اسم جدیدی است که روی جنگهای داخلی گذاشته اند. تاریخ بشر پر از جنگهای داخلی است. خیلی بندرت اتفاق افتاده است که یک طرف جنگ داخلی در حالی که هنوز از دریا جدا است اسلحه را زمین بگذارد و دراز در مصالحه درآید. به نظر ایالات متحده مصالحه با اتحاد شوروی با پدیدار شدن قبول رژیم دیگری به سبک غربی صورت میگیرد. اگر اتحاد شوروی چنین شرطی را قبول نکند جنگ داخلی با این نخواهد داشت و تنها چاره آمریکا در این خواهد بود که به ریختن خون روسها هم چندان ادا به دهد. تصور نمی رود کرملین حاضر شود به طیب خاطر میدان را برای حریف خالی کند و با قبول دموکراسی غربی تیشه بریشه خود بزند و بساط فرما تراوشی را که طی چهل سال در گوشه و کناره دنیا گسترده است جمع کند.

سیاست واپس راندن

مقابله مستقیم جدی با اتحاد شوروی یا به عبارت ساده با روی منافعی آن گذاشتن مستلزم داشتن امکانات و وسائل متناسب با این مهم میباشد. در گذشته ایالات متحده بهای بسیار سنگین برای سیاست انسداد پرداخت. سیاستی که مبنای آن دکتربین ترومن بود و سرانجام به فاجعه ویتنام ختم یافت. در اجرای این سیاست ترومن کندی و جانسون از جهان و مال آمریکا ثیمان ما به گذاشتند. نیکسون برعکس به پیروی از وصیت آیزنهاور که پس از تجربه کره آمریکا را از اعزام سرباز آمریکا به کازا رهای آسیای سخت منع کرده بود دکتربین گوآم را آورد و سیاست انسداد را بر پایه نوینی قرار داد و آن این بود که حاضر شد به مبارزان علیه کمونیسم و بویژه مخالفان گسترش نفوذ شوروی فقط کمک اسلحه مالی و لوژیستیکی بکند و لا غیر. بدین ترتیب سیاست انسداد از آن ترتام می شد و لسی چندانی موفقیت آمیز نبود زیرا در بعضی موارد مبارزان علیه کمونیسم دشمنان آزادی از آب درمی آمدند و کینه شدید مردم خود را علیه آمریکا برمی انگیزدند. دکتربین ریگان در مقایسه با طرز تفکر ترومن و نیکسون فرق قابل

توجهی دارد و آن اینستکه از این پس افراد مستبد و آزادی کشا عملاً از اینکه دوست یا دشمن ایالات متحده باشند به یک چوب رانده خواهند شد. به عبارت دیگر ایالات متحده از این پس با هر گونه استبدادی اعم از راستی یا چپ مخالفت خواهد کرد. بدین ترتیب ایراداتی که به روش های ترومن و نیکسون گرفته می شد منتفی خواهد شد و شوراه برای پی ریزی و اعمال سیاست خارجی که مورد قبول جریانات مختلف سیاسی باشد بازمی گردد.

ریگان با چاه امکانات و وسائلی خواهد سیاست انسداد و پس زدن را اعمال کند؟ پیش از اشارة به این وسائل و امکانات نکته ای را باید متذکر شویم اینستکه ما هیت دکتربین ریگان خوش بینی است بدین معنی که اوضاع را در دهه هشتاد سخت بروفق مرادوبسیار مساعد با نقشه های خود می بیند. در این ایام با عتقادطراحان سیاست خارجی ایالات متحده مواضع اتحاد شوروی در خارج از اروپا یعنی در جهان سوم روبه تسلزل است. دلیلی هم که می آورند اینستکه اتحاد شوروی در دهه هفتاد و یکی دوسال از دهه هشتاد پیش از توان خود گسترش پیدا کرده است. دیگر اینکه گرفتاریها و مشکلات داخلی مخصوصاً "اقتصادی روبه افزایش است."

گفته می شود تعادل نیرو خیرا " بسود ایالات متحده بهم خورده است و کفه کاخ سفید از لحاظ نظامی بر کفه کرملین می چرید. از همه مهمتر اینکه در جهان سوم آزادیخواهی روز بروز بیشتر قوت می گیرد.

بعضی از ناظران موربین المللی به اندازه طراحان سیاست خارجی آمریکا خوش بین نیستند و معتقدند که ریگان به جهان از پشت شیشه کبود می نگرد. تا کنون شواهدی مثبتی برای اینکه کرملین نمی خواهد یا اینکه نمی تواند از سربرندگان خود در جهان سوم پشتیبانی کند وجود ندارد. البته این پشتیبانی تا کنون جنبه سیاسی و اقتصادی و تسلیحاتی و تبلیغاتی داشته است. ولی اگر قرار شود که سیاست انسداد و پس زدن بشدت دنبال گردد احتمال درگیری با اتحاد شوروی وجود دارد. از این درگیری آمریکا فقط با برتری نظامی بی چون و چرا می تواند پیروز بیرون آید. چنین برتری نظامی وجود ندارد.

قدرت انقلاب دموکراتیک

با فقدان برتری بی چون و چو برای نظامی و شکنندگی در درگیری خود در جهان سوم با مسکو با بدسلاح دیگری بکار برود. طراحان سیاست خارجی این سلاح را که نه مالی است و نه نظامی در قدرت انقلاب دموکراتیک تشخیص دادند. در صورت درستی این تشخیص نکات مربوط به تعادل و برتری نیروها و ملاحظاتی از این قبیل چندان اهمیت نخواهد داشت و سیاست انسداد و پس راندن را میتوان بهیائی نا چیز به موقع اجرا گذاشت. کافیت آمریکا با زنده را از برنده تمیز دهد و به موقع اولی را راه کرده طرف دومی را بگیرد و برخلاف گذشته محافظه کاری زیادی را کنار گذاشته به استقبال تغییر و تحول برود. در اندیشه طرفداران دکتربین ریگان انقلاب دموکراتیک در سالهای آ آینده باید همان نقش فاطمی را که نهفت های آزادی بخش در دهه هشتاد و هفتاد با فسخ کرد بازی کند. به سخن دیگر به زور انقلاب دموکراتیک با بد مواضعی را که اتحاد شوروی با استفاده از نهفت های "آزادی بخش" بدست آورده است از چنگ بیرون آورد.

در دهه هشتاد انقلاب دموکراتیک با فسخ فاتح گردد و جامعه آزاد جانشین جامعه مقید شود. توفیق در سیاست انسداد و پس راندن تا حد نسبتاً زیادی بستگی به پهنا و ژرفای انقلاب دموکراتیک دارد. به عقیده ریگان پس از پیروزی انقلاب دموکراتیک است که جنگ های داخلی با این می پذیرد و امنیت ناحیه ای برقراری گردد و راه برای صلح کامل همه جا تهنه و پایداری هموار می شود. ذکر آنرا دکتربین ریگان در روابط جاری و شکنندگی با متحدان ایالات متحده و در مناسبات کاخ سفید با کرملین بماند برای فرصت دیگر.

- ۱- Strategie Arms Limitation
2- Treaty S.A.L.T حروف اول
3- Strat egie Defense Initiative
Anti Balistie Missile

گزارش‌های ایران

سرپرست بنیاد مستضعفان:

همه ما دزدیم!

رفتار دولت در شرایط موجود اقتصادی آمیزه‌ایست از حرکات فردی که بر پشت کالسه‌ای نشسته که اسباب‌ها پیش‌مهار را گسسته و در کنترلش نیستند. شما خوب می‌دانید که مشخصه حکومت‌های توتالیتر نفوذناپذیری آن‌ها - استحکام نظام اجتماعی‌شان - جلوگیری از نشر خبر و گزارش‌هایی است که بنحوی آینده رژیم را تیره‌و نا مطمئن جلوه می‌دهد. از آغاز گرفتاری نفت - بمباران خاگرک توسط عراقی‌ها و شروع کاهش قیمت‌ها ما می‌دانستیم که رژیم با مشکلات ویرانگری روبروست اما رژیم با حمایتی که فقط خاص رژیم‌های دیکتاتوری است به رجزخوانی‌های معمولی خود ادامه می‌داد و حتی تا اواسط فروردین ماه امسال، رهبران رژیم در نطق‌ها و پیام‌هایشان تا کیبند می‌کردند که همه چیز تحت تسلط است و ما حتی اگر یک بشکه نفت هم نفروشیم برنام‌ها می‌ماند و راه‌های ترمیم داده‌ایم که نیازی به ارز نفتی نداشته باشیم. روز شنبه ۲۳ فروردین ماه آقای موسوی برای نخستین بار تاءکید کرد که در زمینه مور اقتصاد از سال ۶۳ فشار کمبود ارزی داشته‌ایم ولی افزایش‌های اقتصادی دشمن برای سرعت بخشیدن به تغییر الگوی مصرف به یک اقتصاد مستقل و قوی استفاده می‌کنیم. اما این تغییر الگوی مصرف که تصویری رفت‌برنا می‌ای گسترده، حساب شده و هم‌تک در پی‌ی داشته باشد صرفاً "گروپ‌های تک‌پروژه‌ها" بود که در تهران شد آن هم به مدت چند روز و تنها نتیجه‌اش بی‌بهره‌ترین مغزها در آن خیابان نشین که سودشان را می‌بردند و هم هوظنان بیگانه خود را هم نمی‌خوردند بصف مخالفین بود. تلاش‌هایی نیز از طریق بیانات آتشین آقای موسوی خوشی‌ها بمنظور خلع بد از زمین داران و سرما به‌داران صورت گرفت، چند هکتاری باغ میوه را هم در شمال موقتا "توقیف کردند اما اگر تمانده پولی هم که بعضی‌ها بکار می‌انداختند، حرکتی به‌بازار میداد به‌پستوها و قلکهای پلاستیکی کشف آشیخ‌ها نه‌و با غچه‌ها برگشت، زمین‌ی نبود که تقسیم شود و اگر هم زمینی بود نه دولت هزینه‌عمرانی و آبادی‌اش را داشت و نه دهقان بیچاره که به جوانان پیش‌راهم درجه‌های جنگ هدیه انقلاب کرده بود توش و توان عمران و آبادی‌اش را. بطوریکه بناچار بر اثر فشار جناح راست که روزبه‌روز ضعیف بیشتری از قدرت حکومتی را می‌خورد اختصاص می‌دهد آقای خوشی‌ها متهم به بیان افکار کمونیستی شود و در مجلس نمازهای جمعه گفتند که خلع یسد از زمین داران و سرما به‌داران نیازی به جو سازی ندارد چون اقتصاد کشور را همین جو سازی‌ها ازرق انداخته است. به‌طوریکه ایشان درسی ام‌فروردین ماه در سمینار هیأت واگذاری زمین مظلومان به‌فریاد آمد که "اگر کسی یا هرکس خواست صحبتی از این بکند که در رابطه با زمین و کشاورزی در ارتباط با حقوق آن کسی که روی زمین کشت می‌کند حرفی اگر خواست بزند بلافاصله متهم می‌شود به اسلام این حرف‌ها غیر اسلامی است، اسلام اقتصاد را اساس و پایه نمی‌داند... (نطق مظلومان) ایشان هم راه به‌جایی نگشود و سرما به‌های گریخته‌ازبازار به‌میدان بازنگشت. وضع آنچنان وخیم گشت که مردم با ملاحظه کاهش درآمد ارزی دولت و ترس از ضبط موجودی بانکی‌شان شروع به خارج کردن اندوخته خود از بانکها کردند بطوریکه دولت به‌ناچار مجبوره بی‌رمقی برای آقای دکتر نوربخش مدیرکل بانک مرکزی که شایعه‌عراض و استعفا پیش‌همه‌جا بر سر زبان‌ها بود ترتیب داد و ایشان با چهره‌ای نزار و صلابتی شکسته بر صفحه تلویزیون آمار و ارقام حیرت‌آوری از افزایش حجم سپرده‌ها ارائه نمود اما جمله آخرین

وی در مورد میزان سود سپرده‌ها در سال ۶۴ همه رشته‌ها را بنیبه گردوندنا ببع اقتصاد فهمیدند که کاهش یک درصد از سود سپرده‌ها تا چه اندازه شما پیش‌گرا اقتصاد دور شکسته دولتی است و مردم از خود می‌پرسیدند: آقای دکتر نوربخش تو که این همه چیده‌ای پس دنباه تا کو؟ در تحقیقاتی که در بانک مرکزی انجام دادیم متوجه شدیم که اولاً میزان ذخیره سپرده مردم در سال ۶۴ کاهش یافته است، ثانیاً "جنگ قدرت در بانک مرکزی بالا گرفته و جان نشین آقای دکتر نوربخش هم تعیین شده است و این شخص یک تحصیل‌کرده آمریکا به‌نام دکتر شیرانی است که عملاً "موربانک را اداره می‌کند و ظاهراً در چارچوب اسکناس‌های بی‌پشتوانه بین‌الشان و آقای نوربخش اختلاف نظر شدیدی پدید آمده و دولت از دست‌برد فروریختن باقی‌مانده اعتماد مردم به سیستم بانکی عملاً در عزل آقای دکتر نوربخش تردید دارد. خود آقای دکتر شیرانی در حضور جمعی از رؤسای طراز اول بانک مرکزی می‌گوید: ما عملاً نمی‌توانیم اعتبار ره‌های ارزی که به‌وسیله وزارت صنایع سنگین و سبک تصویب شده و فرستاده شده به‌پارادایم. در اردیبهشت ماه امسال بانک مرکزی مجدداً "به وزارت صنایع که حدوداً ۷۵۰ میلیون دلار اعتبار خرید مواد اولیه با قطعاً بدهکی برای کارخانه‌ها صادر کرده بود اطلاع داد که حواله‌های ارزی خوبه‌ها مجدداً مورد تجدید نظر قرار دهند. تا بتوان فیکری برای تاءمین اعتبار کرد. کارکنان این وزارتخانه بیش از شش ماه است که در فشار مراجعات مکرر و بی‌وقفه تواءم با داد و فریاد و عریبه‌جویی مدیران صنایع هستند.

صفر کیلومترهای بسواد

راهروهای این وزارتخانه تبدیل به میدان مجادله و مباحثه و فریادهای آنجنانی مدیران صنایع شده است. قبل از سال جدید آقای بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین در نطقی خطاب به مدیران واحدهای تحت پوشش شکست برنام‌های صنعتی را به گردن کارهای اعتبارات ارزی انداخت اما آنچه که از بیانات ایشان در روزنامه‌ها چاپ شد دهها بار از زیر قیچی سانسور گشت تازه همین نطق هم به‌وسیله اداره روابط عمومی وزارت صنایع سنگین تکذیب گردید و آن را بحثی غیر رسمی و خودمانی خواندند. یکی از کسانی که در این جلسه حضور داشت می‌گفت آقای بهزاد نبوی در مقابل شکست تمام برنام‌های وزارتخانه‌ها که گناه عمده آن را به‌دوش کمبود ارز انداخته است مدیران واحدهای بزرگ صنعتی را بی‌رحمانه زیر شلاق انتقاد گرفت و آن‌ها را بی‌سواده‌های حزب الهی خواند و گفت ما یک مشت متخصص درجه یک را از مدیریت کارخانه‌ها برداشتیم و شما بی‌سواده‌های بی‌عرضه و بی‌تجربه مفر کیلومتر را بر کارخانه‌ها مسلط کردیم که حتی عرضه یک تصمیم‌گیری کوچک ندارند و تمام واحدها را با از کار انداخته‌اید یا بی‌رمق کرده‌اید و آنجا که به‌شما پول داده‌ایم که بروید کمبود قطعات خودتان را از خارج تهیه کنید نصف پول را بلاکشیده‌اید و بعد هم گریه‌کنان پیش‌من آمده‌اید که بله غریبه‌ها پول ما را بلاکشیده‌اند و ما می‌خواهیم بر قطعه بی‌ارزش را به‌شش برابر قیمت به‌ما بفروشند تازه عرضه اینکه به‌گمرک جمهوری اسلامی بروید و قطعات خریداری شده را ترخیص کنید. تعدادی از این میلیون‌ها دلار قطعاً خریداری شده در گمرک یا حیف و میل شده یا از حیزات انتفاع افتاده است.

آقای مهندس مظاهری سرپرست بنیاد مستضعفان در آخرین اجلاس مدیران حسابداری در سال ۶۴، پانزده دهان را کشید و با صدایی که از خشم منفرجه شد فریاد زد: برای من ادعای بساکی نکنید، بکنفرتان نمی‌تواند نبست کند که در بنیاد دزدی نکرده است. اگر کسی در میان شما هست که مدعی پاک‌است همین حالا از جا برخیزد و بگوید من دزدی نکردم تا پرونده دزدی‌اش را از توی کشوی میزم دربیاورم و بسه صورتش بکوبم. طبق اطلاع دقیقی از داخل جلسه حتی یک نفر از میان صد و اندی مدیران مالی بنیاد مستضعفان برخاست که بگوید من دزد نیستم بفرمائید پرونده مرا بیرون بکشید. این نمونه‌ای از فساد اداری در نهادهای دولتی نخبه‌محور است در حالی که از این مجمل حزب الله حاکم هر قدر بیشتر از درآمد نفتی محروم می‌شود فشار بر مردم بیشتر می‌گردد. از آنجمله مردمی که حق اشتراک آب در سال ۶۴ برای هر واحد به‌سی هزار تومان رسیده است: اشتراک برق به‌همین نحو یا بدیاریت‌ان جالب‌تر باشد بدانید که اخیراً برای تاءمین برق شهرک‌های جدید و بی‌سازگرفتن حق اشتراک کمرشکن به‌ساکتین شهرک‌ها تکلیف کرده‌اند که با یک زمین و پول ساختمان پست برق را هم خودشان بپردازند. شهرداری تهران هزینه جدول کشی خیابان‌ها و کوچه‌ها را که بطور سنتی معمول می‌پرداخت در سال ۶۵ هزینه مزبور را هم از مردم می‌گیرد. بگذریم که برنام‌های درپیش است که مردم هزینه نظافت و حقوق رفتگر و پاسبان پست محل را هم بپردازند. بیمارستانی در کشور جمهوری زده‌ما را یگان نیست و حتی از زنان مفلوک روستایی که برای زایمان در بیمارستان دولتی بستری می‌شوند تقاضای پنج هزار تومان پول می‌کنند. کار درمزدگی و گدایی رژیم به‌تأخر رسیده است که از مردم می‌خواهد یا به‌جبهه بروند یا مبلغی به‌صندوق دولت بپردازند، به‌عبارت دیگر زنده‌ماندن هم در جمهوری اسلامی مالیات پیدا کرده است. به‌این ترتیب که در اغلب شهرهای ایران ورقه‌های مخصوص دا و طلب شرکت در جبهه را بین کسبه بخش کرده و ضمن جمع‌آوری تمام اطلاعات تجاری و خصوصی از زندگی کسبه، دست‌آورد رو‌تجه مزبور چنین آمده است: اگر به‌ر دلیل نمی‌توانید در جبهه جنگ تحمیلی حضور به‌مراسم کنید فلان مبلغ را به‌حساب دولت جمهوری

اسلامی ایران واریز کنید. در بسیاری از شهرها این رقم بین ده تا سی هزار تومان است. و کسبه شهرها گدازنیمه دوم سال ۶۴ با رکود طاقت‌فرسای روبرو شده‌اند علاوه بر برداخت ارقام بالای مالیاتی و انواع عوارض و گنجهای نقدی و جنسی مداوم به‌جبهه‌ها با بد حد اقل سی هزار تومان نیز بخاطر عدم شرکت مستقیم در جبهه‌نبرد به دولت بپردازند.

کسر سه روز حقوق

پرداخت حقوق کارمندان به‌تدریج برای رژیم مشکل می‌شود حقوق کارمندان و معلمان وزارت آموزش و پرورش که اغلب در ۲۸ هره ماه اول ماه بعد واریز می‌شود تا اول ماه واریز نشده بود و طبق اطلاع طی صدور بخشنامه محرمانه‌ای به‌حسابداران ابلاغ شده است که در پرداخت حقوق اولویت‌ها را در نظر بگیرند. عیبی مختصر کارمندی که یک سکه پست از آزادی است بجز در زمان‌های انتظامی هنوز پرداخت نشده است. از طرفی کنگره کشورهای اسلامی کارمندان را تشکیل داده‌اند تا مقدمات کاهش حقوق کارمندان را فراهم سازند. در قطعنامه استکبار جهانی تصمیم گرفته‌ایم سه روز در ماه روز به‌گیری و از یک تا پنج روز حقوق خود را به‌دولت ببخشیم. این توصیه و پیشنهادشورای اسلامی ادارات در حقیقت پیش‌درآمد پرداخت ۲۵ روز حقوق در برابر یک ماه کار است که به دست عوامل جنایتکار رژیم در ادارات به‌مرحله عمل نزدیک می‌شود. این فشار بر کارکنان محروم واحدهای صنعتی نیز بی‌رحمانه اعمال می‌گردد. چگونگی اخذ اجاری یک روز حقوق کارگران به این ترتیب است که کسبه کارگر در برابر صندوق گفته می‌شود که به‌پیشنهاد شورای اسلامی کارخانه یک روز حقوق شما به‌جبهه اختصاص یافته است و ما آن را برداشت کرده‌ایم اگر مایل نیستید به جبهه کمک کنید می‌توانید ماهی بنویسید و یکروز حقوق برداشتی را پس بگیرید. حال که کارگری است که جرئت کند و پیه‌خارج را به‌تن بمالد و سه روز بعد تقاضای استرداد کمک به‌جبهه را بنماید. بسا اینکه دوماه از سال گذشته بسا به‌سنواتی خدمت یکساله کارگران که بطور معمول روزی ۶ ماه می‌شود پرداخت نشده و تصور نمی‌رود امسال با به‌سنواتی خدمت کارگران پرداخت گردد.

ماجرای دو مدرسه خصوصی در تهران

روز پنجشنبه، هشتم خرداد ماه، عده‌ای نوجوان در حالی که شعار "مرگ بر آمریکا" و "مرگ بر فلولایت قتیله" می‌دادند و مدرسه‌ای چیت چستان و مدرس را اشغال کردند. ما قبت کشمکش که از چند ماه قبل بر سر اداره‌ای این مدارس بین وزارت آموزش و پرورش و اولیای آنها "با نفوذ این مدارس در گرفته بود، به‌شیوه معمول جمهوری اسلامی به‌سود وزارت آموزش و پرورش خاتمه یافت. اما پیاپی مداهای این واقعه بیش از پیش به پیچیدگی وضع کمک کرد. دکتر شیبانی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی، برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی در مجلس بست نشست و با تحسن خود که چند روزی طول کشید، به‌این عمل کارگران وزیر در منطقه ۱۲ آموزش و پرورش اعتراض کرد. انجمن اولیا و مربیان دبیرستان چیت چیان و مدرس را تحت نظر دکتر شیبانی که آن را با صفت "شجاعانه" ستوده بودند دفاع کردند و با حضور خود در منطقه نظارتی هم‌به‌راه‌ها انداختند. از آنجا که مدرسه‌ای مدرس پیش از سال ۵۷ همان مدرسه‌ای آمریکا می‌باشد، مسئولان منطقه با تحریک نوجوانان به این که اولیای دانش‌آموزان این مدرسه و مدرسه‌ای چیت چیان طرفدار آمریکایی‌ها و بازگشت سرما به‌دار هستند، آن‌ها را به‌سود مدرسه فرستادند. چند روز بعد، در سیزدهم خرداد، روزنامه‌ی رسالت مساحتی از عبدالحمین ساه، نماینده مجلس شورای اسلامی، چاپ

بقیه در صفحه ۱۱

گفتگوی اختصاصی با ژان - پیر پرونسل هوگر، روزنامه نگار و اسلام شناس:

بنیادگرایی اسلامی چشم بر آینده فرو بسته است

بقيه از صفحه ۱

"برآمدن اسلام اجباراً نامطلوب نیست. اینکه مسلمانان به نیروی خود واقف می شوند هویت خود را با زمی یا بندد خورسرنش نیست، اما تا سفیرانگیزانست که این جنبش جدید اسلامی جز به گذشته نمی اندیشد. مسلم است که گذشته مهم است و ملتی که با گذشته اش قطع رابطه می کند، خود را از منبع مهمی محروم می دارد، اما باید به هردوسونگه کرد. به آینده نیز باید نظر داشت و دریغی که این نهضت های اخیر اسلامی به عقب با زمی گردند و این به نظر من خطرناک است و زهمین جا است که افراط های کنونی پدید می آید..."

ژان - پیر پرونسل - هوگر، روزنامه نویسی "لوموند" و اسلام شناس هشیار وکنجکا و گفتگویش را با "قیام ایران" چنین آغاز می کند. پس از یادآوری این نکته که در فرانسه ۴ میلیون مسلمان زندگی می کنند و حضور آنان در کنار مسیحیان فرانسوی باعث هیچگونه برخورد عقیدتی نیست می افزاید:

"اعلامیه حقوق بشر که سال ۱۹۴۸ به تصویب سازمان ملل رسیده است سندی است ساده. من در برابر اعتقادات دینی و بیایدنولوژی های سیاسی به این سندبرمی گردم. وقتی تحول کنونی اسلام را در مقابل اعلامیه حقوق بشر می گذارم، متأسفانه به اختلاف فاحش آن دومی رسم و این اختلاف فاحش همسروز در موضوع آزادی های فردی، آزادی مذهب و یا تطبیق قوانین جزائی افزونتر می شود. من که سالهای بسیار در کشورهای مسلمان زندگی کرده و همچنان به این کشورها سفر می کنم و سالهاست که متون اسلامی را مطالعه می کنم و قرآن و سنت و احکام اسلامی را بررسی مینمایم، متوجه شده ام که دین اسلام ضمن وفادار ماندن به بنیادها و اصول می تواند در عین حال با قرن حاضر نیز هماهنگ باشد. فی المثل این آیه معروف قرآن که می گویند: "لا اكره في الدين" اگر مورد عنایت حکومت های اسلامی، آیت الله ها و علما قرار بگیرد و این اصل صریح قرآنی را اجرا کنند، آن وقت جایی برای این مسکنت ها، حقارت ها، تجاوزه و افراطی که امروز بنام اسلام صورت می گیرد، باقی نمی ماند. آن ها برعکس به آیه های دیگر دست می آورند و در حالی که همانطور که بسیاری از علمای دین اسلام گفته اند، باید این آیه "لا اكره في الدين" اصل قرار بگیرد..."

در مورد حکومت اسلامی ایران، نویسنده "تخته نجات محمد" به اختلاف آراء مجتهدین اشاره می کند و می گوید:

"نگاه به گذشته مقدر و محتوم نیست. همین آیت عظام چه بسا یک روز ضرورت نگاه به آینده را درک کنند. هم اکنون شماری از روحانیان ایرانی در فرانسه، آلمان، عراق و مصر در تبعید بسر می برند و این رفتار و عقایدی بگلی مخالف با روحانیان حاکم دارند. این سنت قدیمی در میان روحانیان ایرانی وجود داشته است که تا وقتی امام غایب ظاهر نشده است، روحانیان نباید جز در شرائط فوق العاده در حکومت

شرکت جویند. آیت الله شریعتمداری این معنار را آشکارا بیان کرده بود و او تنها مرجعی از مذهب تشیع نیست که بر این عقیده است..."

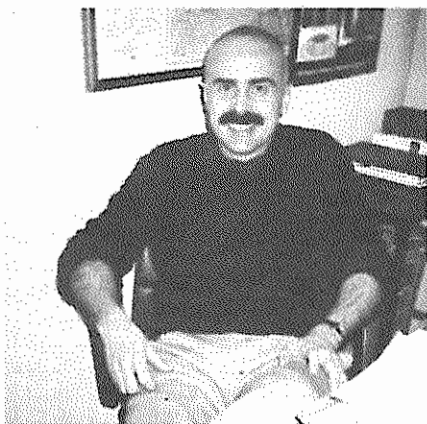
ژان - پیر پرونسل - هوگر، مثالهایی از "شرائط فوق العاده" که روحانیان ایران در امر سیاست دخالت کردند، بدست می دهد:

"در اواخر قرن نوزدهم، زمانی که انگلیسیان بر سر آن بودند که اختیار اقتصاد کشورشان را در دست گیرند (امتیاز زرویتس) آیت عظام به میدان سیاست کشیدند. بهنگام انقلاب مشروطیت ۱۹۰۶ و به قدرت رسیدن رضاشاه پهلوی با زنیان هانشان دادند که می توانستند در مواقع حساس اظهار عقیده کنند. در هر سه مورد بسا، پس از زل و فصول مسائل سیاسی، روحانیان خود را از سیاست کنار کشیدند..."

با این مثالها، نویسنده کتاب "قلمرو عرب" آرزوی کند: "چون چنین سنتی وجود دارد، می توان امیدوار بود که بهار دیگر یک روز این سنت (عدم دخالت روحانیان در سیاست) در ایران مستقر شود. در حال حاضر مانع وسدی پدید آمده است. این حائل و مانع می تواند با زهم ادامه یابد، اما نه همیشه. وقتی چنین سنتی در تشیع ایرانی وجود دارد، همواره میتوان امید به بازگشت آن داشت..."

بالیدن و نوزایی اسلام در شکل تازه خود، مبارز طلب است. از بروزات اسلام و ابسگرا معلوم میشود که فرهنگ غرب هدف نخستین است. پرونسل - هوگر، قبول دارد که اسلام شیعی به غرب دوستانه نگاه نمی کند و می گوید:

"این اسلامی که امروز می باشد و برمی آید ما غربیان را انسان ناقص می داند. من که همه آدمیزادگان را برابر می دانم، این نظریه را می دانم، اما می دانم، امروزه اسلام امروز که بنام "دارالاسلام" و "دارالحرب" تقسیم می کند. در لرحرب در نظر آنان کشورهای غیر مسلمانی است که آنجا هر کاری و از آن جمله تروریسم، تبعیض بهب درمغازه و قمارها و غیره مجاز است. مسلم است که این بینش را مسا نمی توانیم بپذیریم و علیه آن بسا به شیوه ای اساسی مبارزه کنیم. در این نظریه بنیادگرایی یا نه چرتومه جنگ خانه دار و مسلم است که غربیان و یا ساده تر غیر مسلمانی نمی توانند قبول کنند که به آن ها به عنوان "انسان پست" نظر کنند و هر چه بخوانند انجام دهند، هیتلر هم چنین چیزی می گفت و عقیده داشت که چندین نوع افراد انسانی وجود دارند که برخی از آنان شیایسته حکمفرما می اند و دیگران نه. آرزوی منم که ناچاراً از جنگی بشویم تا در مقابل این عقاید و ابسگرا یا نه و تعصب آمیز مبارزه کنیم، اما موقعیت کنونی بس نگران کننده، حتی خطرناک است..."



Jean-Pierre Péroncel-Hugoz

اسلام شناس فرانسوی در موضوع گسترش حکومت تشیع اسلامی، از نوع حکومت اسلامی خمینی - در دنیا، معتقد است که شورویا زگشت به بنیادهای اسلامی مسلمانان سنی را همانقدر برانگیخته است که شیعیان را. او در این باب با اشاره به این حقیقت تاریخی که اسلام در طول عمر خود دوره های گسترش و بالندگی و دوره های رکود و انزوا داشته است و یادآوری این موضوع که گسترش تشیع ایرانی در عصر صفویان، حدود چهار قرن پیش پدید آمده است، می گوید:

"بنظر من در حال حاضر افراطیگری و یا بنیادگرایی اسلامی، مسلمانان سنی و شیعی را بیک اندازه جذب خود کرده است. فی المثل در لبنان، بنیادگرایی اسلامی نزد سنیان و شیعیان هر دو پدیدار شده است. حتی میتوان گفت که بنیادگرایی اسلامی در عصر ما در میان سنیان چشم بدنیا گشوده است: در مصر و در سالهای ۱۹۳۰ با قدرت یابی اخوان المسلمین، بنیادگرایی خاص ایرانی شیعی، نیز فرزندتستن انقلابی است، زیرا خمینی خود عضو "فدائیان اسلام"، شاخه ایرانی اسلامی اخوان المسلمین بود. سپس میتوان دادوستدی همیشگی میان شاخه های اسلام دید. اگر فردا یک حکومت شیعی در بغداد برپا شود، من دلایل این پدیده را به آسانی درک می کنم. زیرا شیعیان در عراق اکثریت دارند در حالی که در لبنان در اکثریت نیستند، اما به شمار، در خورتوجه و نیرومندند و میتوانند در بخش ازلبنان حکومتی شیعی برقرار کنند. باری، این ها تحولاتی است که میتوان تصور کرد. چه کسی - فی المثل - فکرمیکرد که در سوریه، کشوری با یک اکثریت سنی اقلیتی شیعی (علویان) به حکومت برسد؟ من بنا بر آنکه از ترکیه برگشته ام که اسلام در این کشور بیختری در شور و غلبان است. شیعیان ترکیه (علویان) که ۱۵ تا ۲۰ درصد جمعیت را تشکیل می دهند همواره در موضوع اسلام و سیاست نقش مهمی بازی کرده اند. این شیعیان ترک همواره موافق و همراه با حکومت غیردینی و مخالف بنیادگرایی بوده اند، در حالیکه در ترکیه، این سنیان نند که طرفدار حکومت اسلامی خمینی اند و شیعیان علوی مخالف این حکومت و طرفدار مدرنیسم و سکولاریسم و دولت های غیر مذهبی، پس میتوان گفت که تحولات امکان پذیر است. از این گذشته در حال حاضر شیعیان دنیا حدود ده درصد کل جمعیت، هشتصد، نهصد میلیون مسلمان را تشکیل می دهند و جز در عراق و ایران، در کشورهای شیعیان در اکثریت نیستند. اما این احتمال همیشه وجود دارد که کشوری با اکثریت سنی، شیعی شود و این امر در تاریخ روی داده است..."

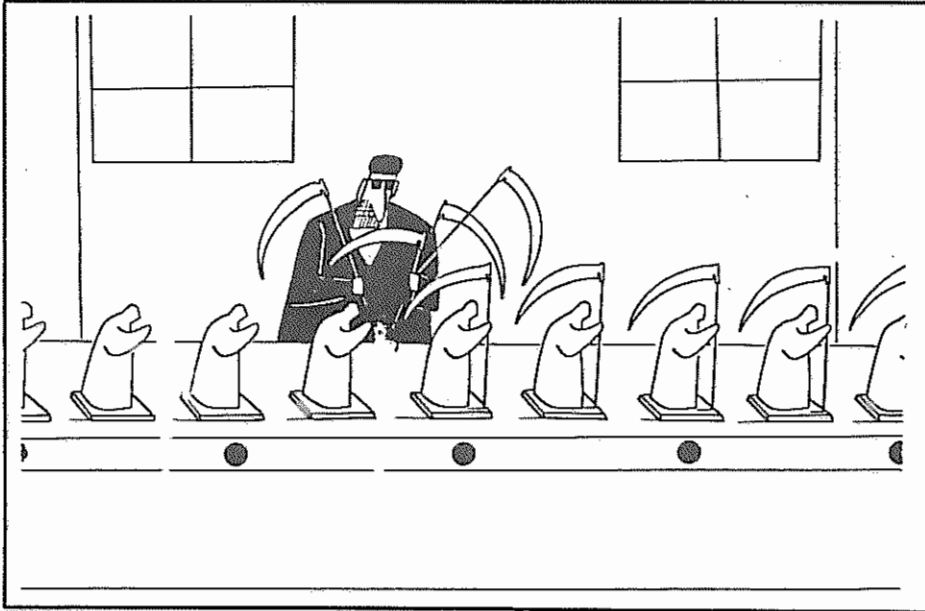
پرونسل - هوگر برخاستن احساسات دینی را در کشورهای اسلامی دست کم نمی گیرد. او عقیده دارد که شور و هیجان بنیادگرایی همه جا در میان مسلمانان در حال حاضر، به چشم می خورد. می گوید:

"چند هفته پیش در آفریقای سیاه بودم. این با لاکیری احساسات افراطی را در میان مسلمانان سنگال به چشم دیدم. علاوه بر این در اندونزی، مالزی فیلیپین و حتی در چین هم شور و هیجان با زگشت به اصل و بنیاد اسلامی، پیروان این دین را به تکاپو انداخته است. برخی از اینان طرفدار انقلاب اسلامی ایران اند و اگر چه این جنبش ها اقلیتی را جذب خود کرده است، اما مهم و در خورتوجه و فعال است و نباید از آن ها غافل ماند."

اگر بخواهیم از مهمترین جنبش های کنونی اسلامی نام ببریم طبعاً "متوجه حزب الله لبنان می شویم که تحت تأثیر انقلاب ایران است اما بدست مسلمانان لبنان سا زمان یافته است. این جنبش اسلامی به جنگ مسلحانه علیه دشمنان دست زده است. گروگان می گیرد، بمباران می کند و چند سالی است که فعالیت هایش در اسلحه های بین المللی قرار گرفته است. اما جنبش های دیگر نیز وجود دارد. مثلاً "اخوان المسلمین مصر که پیش از این نیز وجود داشت اما اخیراً اهمیت بسزا یافته است. قرابت هایی میان اخوان المسلمین امروز و انقلاب اسلامی مشهود است. در سنگال چندین سازمان کوچک اسلامی فعالیت می کنند که گفته میشود هزینه هایشان از سوی عربستان سعودی و ایران تأمین می شود. کشورهای دیگر هم کمک می کنند، این گروهها نیز بنیادگرایی اند، آنان از دواج زنان مسلمان را با مسیحیان قدغن کرده اند، فراماسونری را تحریم کرده اند و می خواهند آموزش زبان فرانسه را از مدارس حذف و بجای آن آموزش زبان عربی را اجباری کنند. در همه کشورهای مسلمان جنبش های وجود دارد. در کشورهای غیرمسلمان نیز اقلیت های مسلمان به فعالیت پرداخته اند، مثلاً در فرانسه مسلمانان این کشور در پاریس، لیون و ماریس با استفاده از آزادی های که در کشوری چون فرانسه وجود دارد به نفع افکار بنیادگرایی دست به تبلیغات می زنند، کتاب و کاست و جزوه ها به زبان فرانسه و عربی میان مسلمانان فرانسوی توزیع می کنند و در صد تشوگر و تشوگر اسلامی و ابسگرا و ضد غرب هستند. اما نباید فراموش کرد که در برابر این جنبش های و ابسگرا یا نه، دنیا ی اسلامی، شا هدنهضت های مدرنیست، آزادی طلب و مدارا جو نیز هست. این نهضت ها اگر چه ضعیف اند، اما وجود دارند. جز ترکیه که شیعیان آنجا موافق حکومت غیر مذهبی و دمکرات اند، نهضت های مترقی دیگر نیز در میان مسلمانان وجود داشته است. در ایران بهنگام انقلاب مشروطیت و یا در عصر پهلوی، در ترکیه در عصر آتاترک، مسلمانان با نوسازی و ترقی طلبی و برقراری حکومتی غیر مذهبی همرا می کرده اند. در کشورهای دیگر نیز چنین جنبشهایی پدید آمده است."

این نهضت ها میتوانند با دیگر اهمیت یابند. مسلم است که این امر به خود مسلمانان مربوط می شود. اگر آزادگان و ترقیخواهان، هر اسان از خشونت ها و تروریسم بنیادگرایی دم فرو بندند بدیهی است که خطر تضعیف و نابودی این نهضت های آزادیخواهان در میان است..."

هفته آینده: عربستان سعودی و نهضت های بنیادگرایی



تروریسم تبلیغاتی و

تروریسم دیپلماتیک

«ژارشالیان» کارشناس مسائل ژئوپولیتیک و استراتژیست سال هاست که درباره انواع تروریسم، مطالعه و تالیف می کند. تروریسم و نبردهای چریکی، «استراتژی نبرد چریکی و «اطلس استراتژیک» از جمله آثار او است. «ژارشالیان» می گوید: تروریسم پدیده‌ای است که باید بدون هراس زدگی و روان پریشی، آن را تحلیل و بررسی کرد و راه‌های مبارزه با آن را یافت. آنچه در پی می آید، بخش‌های اصلی مواجهه‌ی وی با روزنامه «لوموند» است (شماره ۲۵ و ۲۶ مه ۱۹۸۶)

— در توکیو به مسأله تروریسم بین‌المللی توجه بسیار شد. رشد تروریسم بین‌المللی را در چند سال اخیر چگونه یافته‌اید؟

«تروریسم بین‌المللی در سال ۱۹۶۸ با ربودن دوهواپیما اسرائیلی شرکت آل-عال، توسط جبهه آزادی بخش فلسطین، به رهبری جورج حبش آغاز شد. این آغاز سمبلیک پدیده‌ای است که من آن را «تروریسم تبلیغاتی» نامیده‌ام. با این کار فلسطینی‌ها از یکسو خودشان را به دنیا نشان دادند و از سوی دیگر به ضعف خود اعتقاد اف کردند. چرا که تروریسم جانشین شیوه‌های چریکی می‌شود که فلسطینی‌ها قادر نبودند در سرزمین‌های اشغال شده شان بکار گیرند.

در دهه ۱۹۷۰، سازمان‌های بسیاری از فلسطینی‌ها تقلید کرده‌اند. از سیتا میر ۱۹۷۰ بپس که سازمان‌های فلسطینی ناگزیر از ترک اردن شدند، لبنان اگر نه یگانه، که مهمترین کعبه آمال سازمان‌های فلسطینی شد. گروه‌هایی تروریستی، عملیات خود را به نفع گروه‌های دیگر سازمان می‌دهند، مانند عملیات ارتش سرخ ژاپن در فرودگاه «لود» تل‌آویو. عملیات تروریسم دولتی با سوء قصد در بازی‌های المپیک مونیخ علی-ه ورزشکاران اسرائیلی در سال ۱۹۷۲ چهره عام بخود می‌گیرد.

— کارنامه تحول تروریسم چگونه است؟ از جهت نظامی، کارنامه تروریسم بسیار ضعیف است. حتی با محاسبه قربانیان آمریکایی و فرانسه‌ای در لبنان به گفته سازمان تحقیقاتی آمریکا «ران» تعداد کشته‌شدگان از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۸۵ در مقیاس مجموعه تروریسم بین‌المللی کمتر از ۴۰۰ تن بوده است. اما ماهیت تروریسم چیز دیگری است. تروریسم خشونت با رترین شکل جنگ روانی است. و این پدیده‌ای است بنیادی که رسانه‌های گروهی نیز در آن دمیده بزرگش کرده‌اند. پدیده‌ای است که به آن بیش از حد لازم بها داده‌اند، اما به حال دولت‌ها باید آن را جدی بگیرند. در همه موارد، هنگامی که عملیات تروریستی سخن می‌گویند، همواره باید ماهیت ایدئولوژی، هدف‌ها، و حامیان هر گروه خاص را مورد به مورد در نظر داشته باشیم. پدیده تروریسم نباید موجب روان پریشی گردد. باید خاطرنشان سازم که پدیده تروریسم هرگز نمی‌تواند ثبات یک دولت غربی را خدشه‌دار سازد.

— اخیراً به جریان تازه‌ای از تروریسم اشاره کرده‌اید. حکایت آن چگونه است؟
«اخیراً» تروریسم تبلیغاتی روز به روز بیشتر به سوی تروریسمی از نوع «دیپلماتیک» گرایش می‌یابد. این تروریسم توسط بعضی دولت‌ها از طریق استخدام مستقیم یا غیرمستقیم گروه‌های تروریستی و یا صرفاً توسط مأموران دولتی اعمال می‌گردد. مقصود آن نیست که همه گروه‌های تروریستی مزدورند. برخی از آن‌ها مورد «حمایت» قرار می‌گیرند، و عده‌ای تحت «کنترل» قرار دارند. عده‌ای از گروه‌ها استقلال خود را حفظ می‌کنند، و بعضی نیز میان خود را عوض می‌کنند. مانند مورد ابونضال که از تحت‌الحماگی عراق به تحت‌الحماگی لیبی درآمد. در میان رژیم‌هایی که از تروریسم به گونه خاصی از دیپلماتیک (اگر نگوئیم از سیاست) استفاده می‌کنند، به ویژه می‌توان رژیم سوریه، ایران، عراق و لیبی را برشمرد.
— نتایج یورش آمریکا به لیبی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
«با پدید آمدن این عملیات بگذرد. نتایج این عملیات را با پدیده‌های گذشته مدتی نه چندان کوتاه و نه بسیار بلند، بررسی کرد. آمریکا تا پیش از آنکه به لیبی حمله کند، علامت‌های زیادی به لیبی داده بود: از جمله تهدید به مقابله به مثل، تجاوز به محدوده هوایی لیبی، تهدید به تحریم، و سپس عملی خشن آن، اما سرنگ قذافی هر بار با ادامه دادن به عملیات تروریستی خود به خشم آمریکا دامن می‌زد و بنا بر این می‌بایست منتظر یک پاسخ نظامی باشد. هرگز باید پیش را به اندازه گلیم خودش دراز نکند. اما برگردیم بر سر تائیرات عملیات

آمریکای لیبی. نتایج این عملیات را تنها در رابطه با عامل زمان می‌توان بررسی کرد. از دید یک ناظر بی‌طرف، اگر آمریکا به سبب این اعمال باید منزوی شود، لیبی نیز همین سرنوشت را باید داشته باشد. همه این‌ها بگونه‌ای رخ داده‌اند که گویی نحاشی توسط دوبایگر افراطی در حضور اکثریت منفعلی از تماشاگران بازی شده است. تماشاگران متوسط الحالی که هم از تماشا و ریختن پنهانی یک طرف، و هم از خشم و نفرت بی‌حامل طرف دیگر لذت می‌برند.
— آیا عملیات آمریکا به تضعیف قذافی منجر می‌شود؟
«بنظر من، آری. به یاد داشته باشیم که این اولین جنگ سرنگ است. واقعه‌ای که از نظریه‌ی با بقیه تفاوت دارد. تهدیدهای تلافی جویانه سرنگ قذافی در منطقه مدیترانه به جامه عمل نشسته‌اند و او خود به انزوی نسبی خود در جهان بی‌برده است. این راه اضافه کنم که رهبر لیبی برخلاف عقیده‌ای که عمومیست یافته است، از هیچ کس حرف شنوی ندارد. گمان می‌کنم که این دیدگاه وجود یک توطئه تاریخی، که غالباً در توضیح تروریسم به آن برمی‌خوریم، و حاکی از آن است که سراسر مجموعه تروریسم با رشته‌ای سرخ بهم می‌پیوندد، و نیز این که متحدان شوروی در این حال نقش پیاده‌های شطرنج را دارند به هیچ روی از تحلیلی جدی برخوردار نیست. حافظ اسد، رئیس دولت سوریه به هیچ وجه از اتحاد شوروی خشنمی‌گیرد. اگر او در کنار شوروی است، وقتی که آن روست که ضد آمریکا است، وقتی که مخالف شما در این طرف باشد، شما را می‌جز این ندارید که در کنار شوروی قرار بگیرید. در بعضی موارد خاص، وضعیت به دو قطبی شدن هم منجر می‌شود.

چهره يك تروریست مسلمان

میخواره، عاشق پیشه و ماجراجو

هفته‌نامه «اون مان» چاپ پاریس، چهره یک تروریست حرفه‌ای را که تا قبل چندبمب‌گذاری خون بار بوده است، در شماره تازه خود، ترسیم کرده است. «اون مان» می‌نویسد: این تروریست حرفه‌ای که چند هفته پیش در شهر «نانسی در فرانسه» بازداشت شد، حبیب معمر نام دارد که جوانی است عاشق پیشه و شراب خواره که بمب هم کار می‌گذارد. توجه شما را به گزارش هفته‌نامه «اون مان» درباره زندگی و رفتار و کردار این تروریست حرفه‌ای که به سبب پرگویی اش به دام پلیس افتاده است، جلب می‌کنیم.
«اون مان» می‌نویسد:
در آغاز تصور می‌کنیم که حبیب معمر، یک حرفه‌ای غیرعادی است که گذشته‌ی تیره و سایدالود را در زیر زمین گذرانده است.
هنگامی که در روز ۱۱ مه گذشته به گناها ن خودا قرار می‌گیرد، هیچکس حرف‌هایش را با ورنمی‌کرد؛ چگونه

است که این جوان مهاجر که هفتاد و دو سال هم‌ندارد و معتاد، ترسو و سخته محتاط است، خودش را از سوداگران با زار تروریسم بین‌المللی وانمود کند؟ اما درست است با آنکه او هیچ آرمان سیاسی ندارد، خود را مزدور یک جنبش نامعلوم فلسطینی می‌خواند. حبیب از دیگر جزئیات دریغ نمی‌ورزد. وی تعریف می‌کند که روزی در یک میخانه در شهر «تولون» به یکی از نزدیکان ابونضال فلسطینی برمی‌خورد که مدارک شناسایی وی را با دو گذرنامه مراکشی عوض می‌کند و برای کار گذاشتن یک بمب ۳۰۰۰ دلار به او پیشنه می‌کند و حبیب نیز بمب را که در چند روزی ساخته شده از یک کشور خاورمیانه‌ای به اروپا می‌آورد. حبیب همه نام‌ها را به پلیس می‌گوید و حتی سوئ قصد نا فرجای را که هیچکس جز پلیس از آن خبر ندارد، به خود نسبت می‌دهد.
این جوان یکی از ده فرزندان یک خانواده است که ظاهراً هیچ سوءظنی به او نمی‌رود. آدمی است گمنام. می‌توان

گفت که به تصادف قرعه به نام او امانت کرده است. پرونده قضایی اش پاک است. عضو هیچ حزبی نیست. با هیچ گروه افراطی رفت و آمد ندارد. هیچکس تعقیب نمی‌کند. به صورت ناشناس به آلمان، اسپانیا، انگلستان و حتی به لیبی سفر می‌کند. در لیبی یک دوره آمادگی می‌بیند. گرچه در آغاز به عنوان مکانوگراف استخدام شده، اما اکنون به مقام بمب‌گذار رسیده است. و هیچکس چیزی از او ندیده و نمی‌داند.
حبیب معمر در بازپرسی، به چهار فقره بمب‌گذاری اعتراف می‌کند که سه فقره آن‌ها را در فروشگاه‌های مارکس-انداسینسر کار گذاشته است: اولی را در سال ۱۹۸۲ جلوی در ورودی فروشگاه می‌گذارد که بر اثر آن دو نفر جراحت سطحی می‌یابند. همان سال در یکی از شعبه‌های این فروشگاه در پاریس بمب دیگری می‌گذارد که کشف و خنثی می‌شود. و سومی سوء قصدی است که در سال ۱۹۸۵ در پاریس به مرکز نگهبان فروشگاه و زخمی شدن چهارده نفر منتهی می‌شود. قدمه‌یونست هشتاد معتقدند که باید با رئیس این فروشگاه زنجیره‌ای بجنگند چرا که او را یکی از پایه‌گذاران دولت یهودی دانسته‌اند اما بغیر از مرکز انداسینسر، حبیب در سال ۱۹۸۴ پس از آنکه از گذاشتن بمب در دفتر هواپیما بی‌ال‌عال که به شدت

از آن مراقبت می‌شود منصرف می‌شود، بانگ اسرائیلی «لیومی» را طعمه خود قرار می‌دهد. حبیب از چشم همسایگان خود در شهر فرانسی نانس جوانی ست‌مؤء دب و از میا چران مرغه به شماری رود. او که در شهر «بیزرت» در تونس بدنیا آمده است، در ۱۹ سالگی خانه پدری را ترک می‌کند و به موصل می‌رود تا با چهار برادر بزرگش در آنجا هستند زندگی کند. در ۲۱ سالگی به مزدوری شخصی بنام ابوالبراهیم (از مخالفان سازمان آزادی بخش فلسطین) درمی‌آید، تعداد برادرش را که بخاطر شرکت در نزاعی خونین در زندان بصری برده فریب می‌دهد. در سال ۱۹۸۲ برای گذراندن تعطیلات آخر هفته با او به لندن می‌رود. هنگامی که خبر انفجار در فروشگاه مارکس انداسینسر از امواج خبری بخش می‌شود او که سرش از ویسکی گرم است به دخترک اقرار می‌کند که: من بمب را کار گذاشته‌ام سال بعد از تعداد می‌خواهد که به جای او بمبی را کار بگذارد. دخترک در آخرین لحظه که قصد ترک محل بمب‌گذاری را داشته، بمب را خنثی می‌کند. البته این سیروفرها مانع از آن نمی‌شود که حبیب و شهادت صاحب دخترک کوچولویی نیز بشوند.
هنگامی که حبیب در اوایل سال با

فرهنگ ایران

آشنایی با متون فارسی

هفت پیکر نظامی

مجموعه زیبایی‌ها و شگفتی‌های هنر داستان سرایی

محمد جعفر محبوب

مردم به هفت آسمان و هفت طبقه زمین و هفت سیاره و هفت فلز قائل بوده و زمین را مرکب از هفت اقلیم می دانسته و میان این پدیده‌های هفت گانه روابطی برقرار می ساخته‌اند. آنچه از این اعتقادها تا امروز درگاه شماری ملت‌های گوناگون جهان باقی مانده "هفت" است. در همه‌جا دنیا ماه‌ها، خواه شمسی و خواه قمری، به هفته‌ها تقسیم می شود و هر یک از روزهای هفته به سیاره‌های فلزی خاص منسوب است و رنگ و بوی و خوراک و ویژگی‌های خاص خود را نیز به آن منسوب می‌کنند. در روزهای شنبه و چهارشنبه را روز زهره گویند. در نزد فرانسویان شنبه روز خورشید و یکشنبه روز خدایت و حال آن که در زبان انگلیسی شنبه روز زحل و یکشنبه روز خورشید است. اگر هفت روز هفته را به ترتیب از شنبه تا جمعه (بسه آیین مسلمانان) بگیریم رنگ‌های وابسته به هر روز و هر سیاره به ترتیب نیلگون، زرد، آبی، نارنجی، سرخ، بنفش و سبز، یعنی رنگ‌های طیف خورشیدی است. هفت فلز وابسته به این هفت سیاره نیز عبارتند از: آهن، زر، سیم، قلع، مس، سرب، آهن و جیوه که به ترتیب به آفتاب، ماه، اورمزد (مشرقی)، ناهید (زهره)، کیوان (زحل)، بهرام (مریخ) و تیر (عطارد) نسبت داده می شوند.

داستان ساختن قصرها و گنبدهای رنگارنگ سابقه‌های سخت قدیم دارد و به دوران شاهنشاهی مادها می رسد. به روایت هرودوت دیاکوش شاه ماد شهرمسدان را بساخت و در آن قصری برآورد که هفت حصار و هر حصار رنگی خاص داشت. این نوع رنگ آمیزی را در بابل از علامت ستاره‌های هفت گانه می دانستند و معروف به بابل نیز همین گونه رنگ آمیزی شده بود و رنگ کردن هفت حصار همدان تقلیدی از آن به شمار می رفت.

هر یک از اقلیم‌های هفت گانه زمین نیز به یکی از این ستاره‌ها و رنگ‌ها و روزها و فلزها بستگی داشت. اکنون، و با توجه به آنچه گفته شد می توان دریافت که مثلاً چرا در هفت پیکر آمده است:

"نشستن بهرام روز شنبه در گنبد سیاه و افسانه گفتم دختر پادشاه اقلیم اول"

"نشستن بهرام روز یکشنبه در گنبد زرد و افسانه گفتم دختر پادشاه اقلیم دوم"

و بر همین ترتیب تا روز هفتم (آدینه) که بهرام در گنبد سپید می نشیند و دختر پادشاه اقلیم هفتم داستان می سراید و جندی بس از پادشاهان یافتن افسانه‌ها و کتاب نیز به پادشاهان می آید.

پادشاه هر نخستین شب را که در شیبستان شاه زاده‌های بسومی بگرد از او درخواست می کنند که برای او فاسانه‌ای سازد و آنان همگی پس از درود به شاه و ادای احترام نسبت به پادشاه می گویند.

این هفت داستان هفت نمونه از بهترین داستان‌های کوتاه زبان فارسی است که بعضی از آن‌ها، بی‌هیچ اغراق و گزافه‌ای، با بهترین داستان‌های کوتاه دنیا برابری می کند.

نظریه خود در آغاز هفت پیکر می گوید که این داستان‌ها را از گوشه و کنار، از سوادیکارا و طبرستان فراهم آورده است. با این حال بیان فاخر و زیبا و در عین حال ساده، نظریه در هفت پیکر کوش و زیبا بی آن‌ها را دوچندان کرده است.

هر شاه زاده خانم طوری داستان خود را طرح می کند و به پادشاه می آورد که با رنگ گنبدی که در آن سکونت دارد متناسب با خود در پادشاهان آن نیز رنگ گنبد خود را از سایر رنگ‌ها برتر می‌نهد و سخنانی در امتیاز آن نسبت به سایر پادشاهان می گوید.

علاوه بر این هفت قصه که در هفت پیکر آمده است، در متن سرگذشت بهرام نیز داستان‌های دیگری وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها یکی "داستان بهرام با کتیازک خویشت" "بیش از آغاز داستان‌های هفت گنبد و دیگری داستان پندگرفتن بهرام از رفتار شیان و رسیدگی به کار وزیر ستمکار و خویش و کشتن اوست که پس از پایان داستان‌های هفت گانه آمده است.

نویسنده این سطور، هفت پیکر را شاهکار نظامی می‌شناسد و سال‌هاست که بر این عقیده است. البته این عقیده‌ای است شخصی و ممکن است گروهی بسا آن موافق نباشند، اما آنچه هیچ در آن تردید نیست موافق این است که باید شاهکار نظامی را در میان دو اثر وی: خسرو شیرین و هفت پیکر جستجو کرد و هیچ یک از کتاب‌های دیگر نظامی، به دلایل مختلف، در ردیف این دو اثر قرار نمی‌گیرد.

با آن که تمام داستان‌های هفت پیکر با زنگتنی قابل نقل و معرفی است، لیکن چون امکانات محدود است پس از این یکی از آن داستان‌ها، داستان شب اول و گنبد سیاه را که در عین حال از زیبا ترین داستان‌ها می‌باشد هفت پیکر شمرده می شود در شماره آینده به خوانندگان عزیز تقدیم می‌کنیم.

هفت گانه اختصاص یافته است. نظامی خود می‌داند و با احترام تمام می‌گوید که پیش از او و فرودوسی سرگذشت بهرام را به نظم آورده است:

هر چه تاریخ شهریاران بود
در یکی نامه اختیار، آن بود
چاک اندیشه‌ای رسیده نخست
همه را نظم داده بود درست
مانده زان لعل ریزه لختی گرد
هر یکی زان قراضه جیزی کرد
من از آن خرده چون گهر سنجی
بر تراشیدم این چنین گنجی
آنچ از اونیم گفته بد، گفتم
گوهر نیم سفته را سفتیم
به همین سبب نظامی می‌گوید تا آنچه را که فرودوسی ناگفته گذاشته است بسراید. با این حال، بسرای شاعر - هیچ راهی جز سخن گفتن از زندگی بهرام - ولو به اختصار - وجود نداشت. از همین روی آنچه را که فرودوسی به تفصیل درباره بهرام در شاهنامه آورده است، از فرستادن بهرام به عربستان و نزد نعمان بن منذر، و سپردن ایرانیان پادشاهی کشور را به سردی و خسرو نام، و آگاهی یافتن بهرام و طلب کردن شاج و تخت، و ربودن تاج شاه از میان دوشیردرنده و جواد دیگری که در تاریخ زندگانی بهرام پنجم پادشاه ساسانی، معروف به بهرام گور، آمده است نظامی با اختصار تمام شرح می‌دهد تا بدان جا می‌رسد که بخشی از داستان بهرام از سوی فرودوسی ناگفته مانده است، و آن این که بهرام در آن هنگام که در عربستان می‌زیست و نعمان کاخ خورشید را بر سرای وی ساخته بود:

شاه روزی رسیده بود ز دشت
در خورشید به خرمی می‌گشت
حجرهای خاص دید در بسته
خازن از جستجوی آن رسته
بهرام می پرسد چرا در این حجره بسته است؟ و سپس سرای دار را می‌خواهد تا کلید در آن خانه را بدهد. شاه در را می‌گشاید:

خانه‌ای دید چون خزانه گنج
چشم بیننده ز جواهر سنج
خوشتر از صد نگارخانه،
نقش آن کارگاه دست‌گزین ...
هفت پیکر در آن نگاشته، خوب
هر یکی زان به کشوری منسوب ...
هر یکی با هزار زیبایی
گوهر افروز نور بینایی
در میان، بیکری نگاشته نغز
کان همه پوست بود وین همه مغز
بر نوشته دبیر پیکر او
نام بهرام گور بر سر او
کاین جهان جوی چون برآرد سر
هفت شاه زاده از هفت اقلیم
در کنار آورد جو در بتیم
و نویسنده در زیر آن تاء بید کرده بود که ما این گفته‌ها را از خود نگفته بلکه از احکام گردش اختران آن را به دست آوردیم. بهرام از دیدن این حجره بسیار شاد می‌شود و بیرون می‌آید و در آن را می‌بندد و به خازن تاء کید می‌کند که دیگر در آن را به روی کسی نگشاید.

چون بهرام به پادشاهی می‌رسد، و او پادشاهی است که هم فرودوسی و هم نظامی از مردم دوستی و ادبگستری و کفایت و ولایت و کاردانی و لشکر آرائی او بسیار تعریف می‌کنند، پس از آرام ساختن مملکت و سرکوب کردن دشمنان به یاد آنچه در یکی از حجره‌های قصر خویش در عربستان دیده بود افتاد، و هفت نماینده به سوی پادشاهان هفت اقلیم فرستاد تا دختران ایشان را برای خود خواستاری کند. نظامی نام این دختران و نام کشورشان را نیز در متن شرح صورت هفت پیکر به دست می‌دهد. آنان عبارتند از: دختر رای هند به نام فورک، دختر خاقان چین، که بیخماناز نامیده می‌شد، نازیری دختر شاه خوارزم، نسرین نوش دختر سقلاک شاه (مردادشا هروس است چون سقلاک معرب کلمه اسلاو است)، آزرین دختر شاه مغرب، همای دختر قیصر و سرانجام دختر کسری از نسل کیکاووس موسوم به دژستی.

پادشاهان هفت اقلیم همه با دادن دختر به بهرام موافقت می‌کنند. بهرام نیز برای اقامت هر یک از ایشان گنبدی می‌سازد و آن را به رنگی خاص می‌آراید.

عدد "هفت" در ایران بلکه در جهان قدیم عددی بسیار مهم شمرده می‌شده است. قرن‌ها و هزاره‌ها

نظامی گنجوی، بزرگ‌ترین شاعر داستان سرای ایران دارای پنج کتاب منظوم است که آن‌ها را در اصطلاح "خمسه" یا "پنج گنج" می‌نامند. این پنج کتاب، به ترتیب تاریخ سروده شدن، بدین شرح است:

- ۱ - مخزن الاسرار - خسرو شیرین ۳ - لیلی و مجنون
- ۲ - هفت پیکر یا بهرام نامه ۵ - اسکندرنامه
- ۳ - آخرین کتاب نظامی - اسکندرنامه دارای دوبخش جدا از یکدیگر است و شاعر بخش نخستین را که شرح جهانگیری‌های اسکندر است "شرف نامه" و بخش دوم را که داستان جهان‌نداری او و محتوی آداب و آئین پادشاهی و مردم‌داری است "اقبال نامه" نامیده و هر یک از آن دو بخش را به یکی از حکم‌رانا ن پیشکش کرده است.

با آن که در تمام این کتاب‌ها از داستان و داستان‌سرایی و بزم آرای می‌توان نشان یافت، اما مخزن الاسرار - که از نظر شعری دشوارترین اثر نظامی نیز هست - در حقیقت کتابی است عرفانی و صوفیانه و بسا اندک مساجد می‌توان از نظر مضمون و معنی، آن را در ردیف مثنوی‌های سنائی و عطار قرار داد.

دو داستان بعدی - خسرو شیرین و لیلی و مجنون - هر دو داستان عاشقانه است و گویا خسرو شیرین نظامی معروف‌ترین اثر وی نیز باشد و گروهی از محققان و اهل ادب آن را شاهکار نظامی دانسته‌اند.

در داستان خسرو شیرین، یک داستان عاشقانه فرعی دیگر نیز مطرح می‌شود و آن داستان عشق فرهاد به شیرین است که در حقیقت صحنه‌های عاشقانه واقعی کتاب را تشکیل می‌دهد. عشق فرهاد به شیرین نیز مانند عشق مجنون به لیلی به ناکامی و مرگ عاشقان منتهی می‌شود.

هم خسرو شیرین، و هم لیلی و مجنون دارای صحنه‌های بسیار زیبا و موه‌ثر هستند که بی‌هیچ شبهه‌ای از شاهکارهای جاویدان شعر فارسی است.

چون سخن اصلی ما در این گفتار، درباره هفت پیکر است، نخست، و پیش از نوشتن، چند کلمه‌ای نیز در باب اسکندرنامه می‌گوییم و سپس بر سر گفتگو از هفت پیکر می‌رویم.

اسکندرنامه در حقیقت اثر حماسی نظامی است. با آن که نظامی هم در خسرو شیرین و هم در هفت پیکر به تجلیل استاد طوس فرودوسی پرداخته و با احترام فراوان از سخن گفته است، اما کتابی را که به پس‌پس روی مستقیم از شاه نامه فرودوسی سروده و در سرودن آن به حماسه جاویدان استاد طوس نظر خاص داشته اسکندرنامه است. اکنون مقام پیش از این سخن گفتن در باب این زمینه نیست، فقط گوییم که نظامی اسکندرنامه را در پایان عمر و در منتهای پختگی طبع و بلاغ و ذوق و هنر خویش سروده است و انصاف، از نظر زیبایی لفظ و فصاحت و روانی بیان و سادگی شعری توان اسکندر نامه را از تمام آثار نظامی برتر دانست، و شاید از همین روی است که این کتاب در میان فارسی‌زبانان غیر ایرانی بیش از هر کتاب دیگر نظامی شهرت دارد و مثلاً در هند و پاکستان بر شرف نامه و اقبال نامه نظامی شرح‌های فراوان نوشته اند و بخش‌هایی از آن را در جزه درس‌های مقدما می‌تالیا ن علوم دینی برای آموزش زبان فارسی قرار داده‌اند.

با این حال، در ایران اسکندرنامه به اندازه دیگر آثار نظامی شهرت نیافته است و ظاهراً علت آن این است که مردم ایران اسکندر را دوست نداشته‌اند و نمی‌دارند. تا دوران ساسانی وی را اسکندر گجسته (= ملعون و مطرود) می‌خواندند. بعد از اسلام نیز با آن که کسانی که صدمه هجوم‌های اسکندر به ایشان نرسیده بود برای او داستان‌ها ساختند و حتی او را به پیغمبری رساندند، اما کسی اسکندرنامه نظامی را نخواند تا بدان جا که اگر تمام کتاب‌های نظامی یک جا و در یک مجلد چاپ نمی‌شد و هر یک جداگانه انتشار می‌یافت تعداد خوانندگان و خوشحالی‌داران اسکندرنامه ده یک دوستداران خسرو شیرین و لیلی و مجنون و هفت پیکر نیز نبود. نظامی تمام ششرايط سخنوری و استادی در فن شعر را در سرودن اسکندرنامه مراعات کرده، اما قهرمان داستان را درست انتخاب نکرده است. اگر تمام مردم دنیا اسکندر را دوست بدارند و وی را "اسکندر کبیر" بخوانند، ایران‌نشان با ری او را دشمن خواهند داشت.

هفت پیکر، یا بهرام نامه، با هفت گنبد چهارمین کتاب نظامی است. نظامی سرودن آن را در سال ۵۹۲ هـ/ ۱۱۹۷ م. به پایان آورده و آن را به فرمان روی مومل تقدیم داشته است. این کتاب جمعا "دارای ۵۱۳ بیت است که نزدیک دوهزار بیت آن در آغاز داستان، یعنی مقدمه‌های معمولی کتاب و شرح زندگانی بهرام گور است. پس از آن هفت داستان کوتاه در کتاب آمده است (شرح آن خواهد آمد) و پس از پایان یافتن آن داستان‌ها با ۶۶۴ بیت دیگر سرگذشت بهرام به پایان می‌آید. در حقیقت نیمه‌ای از این کتاب به شرح زندگی بهرام گور و نیم دیگر از آن به گفتن داستان‌های

نمایندگان مخالف دولت حق سخنرانی ندارند

می کند و در تلفنی که آقای حسینی به سپاه پاسداران زده بودشیدید " سپاه را زیر سؤال بردند که شما حق ندارید این فرد را دستگیر کنید. سپس وزیر کشور گفت این شخص با مسئولان نهادهای که از سوی نماینده مجلس داشته وارد صفوف نماز جمععه میشود و با ردیگر این اعلامیه را بخش می کند که در آنجا طبق دستوری که نیروهای انتظامی داشتند که سرانجام فراری با پیداستگی و تحویل وظیفه عمومی کردند فرماندار سیرجان از شهر بانی میخواست که این فرد متخلف را دستگیر کنند و تحویل وظیفه عمومی بدهند و این کار صورت می گیرد و بعد از نماز جمععه هم اعلامیه ها در اختیار برادران سازمان تبلیغات اسلامی قسریار می گیرد.

وزیر کشور افزود آنچه که در ستاد دهه فجر سیرجان صحبت شده این است که با توجه به جوی که در آنجا حاکم است صحیح نیست مردم توقع ندارند و نمیتوانند تحمل کنند یک نماینده ای که شهرت پیدا کرده و در گذشته با دولت آقای موسوی مخالف بوده مسردم نمی پذیرند که چنین فردی در دهه فجر بیاید اینجا سخنرانی کند بر این اساس برای اینکه جلوی تشنج و آشوب و تنش گرفته بشود صلاح نمی دانیم که ایشان در اینجا سخنرانی کنند. علیرغم اینکه در ستاد دهه فجر در شهر سیرجان این تصمیم گیری صورت گرفته و مدعیین مشخص شدند و سخنرانان هم معین گردیدند و دعوت شدند، ستاد تبلیغات خودش مستقلا رفته است یک سری افراد را دعوت کرده است از جمله برادر عزیزان آقای با دا میچیان را و این سخنرانی هم در روز بیستم بهمن ماه در آن شهر صورت گرفته و آقای با دا میچیان هم در جمع اندکی سخنرانی کردند. در حالی که در آن روز هزاران نفر از مردم شهر عازم جبهه ها بودند و در خیابان ها رژه می رفتند و فرما نندار ما با تدبیر و درایت این امنیت را برقرار کردند و اجازه ندادند که هیچگونه تشنجی در شهر ایجاد بشود.

پس از توضیحات وزیر کشور نماینده سیرجان به دفاع از خود پرداخت و گفت آقای وزیر کشور بنده را متهم کردند که از سربازی فراری حمایت و کفالت کردم این مسئله را ایشان باید ثابت کنند. آقای وزیر محترم کشور این دروغ و تهمت است و گزارش خلاف واقع بعرض شما رسانند. و اینکه میفرمایند اوراقی که فرمایند حضرت آیت الله العظمی منتظری روی آن چاپ شده بعد از نماز جمععه توزیع شده است در حالیکه این دروغ است و در روز بعد توسط پسر رئیس عقیدتی سیاهی شهر بانی آن اوراق از توقیف شهر بانی خارج شدند بنا بر این من از توضیحات وزیر کشور قانع نشدم و سؤال را به کمیسیون سئوالا تراجاع می نمایم.

آن گروه از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در بازسازی سال گذشته هنگام معرفی مجدد آقای میرحسین موسوی بعنوان نخست وزیر به وراعی اعتماد شده اند، همه جا با حملات و هجسوم و توهین های حزب اللهی ها و طرفداران نخست وزیر و بیرویه هستند. دشواری این گروه مدنفتری که راهی کیبود و ممتنع به موسوی داده اند آنست که آیت الله خمینی پیش از معرفی دوباره آقای موسوی بعنوان نخست وزیر بعلت مخالف شدید مجلس با وی، سه بار پیش از راهی کیبودی از دولت خدمتگزار و متعهد موسوی من " دفاع کرد. گروهی از نمایندگان مجلس اسلامی طوسی نامه ای خطاب به آیت الله خمینی یادآور شده بودند: " به علت وضع فوق العاده مملکت و تاءکید قانون اساسی بر آزادی رئیس جمهوری در معرفی نخست وزیر و با توجه به عملکرد دولت در گذشته ... از رهبران انقلاب درخواست رهنمود و ارشاد داریم و خمینی در نامه جوابیه خود به این گروه نمایندگان، با ردیگر تاءکید کرد که: " در حال حاضر بر سر برای حفظ وحدت و جلوگیری از تبلیغات سوء دشمنان، بهتر آنست که دولت متعهد موسوی من بر سر سرکار باقی بماند.

به این ترتیب پس از راهی گیری، این صدمنا بینده مخالف با دولت به صورت مخالف با ولی فقیه مورد خشم قرار گرفتند. بسیاری از آنان در هفته ها و ماه های بعد در حوزه های انتخابی ویا در مجامع مورد شدید ترین ناسزاها قرار گرفتند. تنی چند از آن میان به دست " امت حزب الله " مغلوب و مضموم شدند و با این همه هنوز درگیری با این نمایندگان مخالف دولت پایان نیافته است. در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی در روز ۲۵ اردی بهشت ماه، آقای سید احمد حسینی نماینده سیرجان و مخالف دولت، ناچار از طرح سؤال از وزیر کشور رژیم شده است. این شرح را از روزنامه کیهان (چاپ تهران) مورخ ۲۷ اردی بهشت ماه می آوریم تا گوشه ای از فضای چند دستگی و درگیری ها را در درون حاکمیت آخوندی روشن کرده باشیم.

شما می دانید که ستادهای نماز جمععه برای کنترل و نظارت و برقراری نظم و انضباط در سراسر شهرستان ها و شهرهایی که نماز جمععه برقرار است، تشکیل میشود. در ستاد نماز جمععه فرما نندار سیرجان هم عضویت دارد. در آن ستاد که ما هم جمعه هم نظردار در گذشته تصمیم گیری شده بود که هرگونه بلاکار و اطلاعیه و اعلامیه ای باید با نظر ستاد نماز جمععه و موافقت آن توزیع بشود تا خللی در نظام نماز جمععه پیش نیاید. و این اعلامیه در آن ستاد مطرح نشده بود، و وقتیبی که در آن روز این اعلامیه توزیع میشود بنظر ستاد این اعلامیه ها از افرادی که آن را توزیع می کردند گرفته میشود و به آن ها تذکر داده میشود که بعد از پایان نماز جمععه تحویل شما داده میشود که ایسب کسار هم صورت گرفته است.

وزیر کشور پس گفت: سربازی که ۳ سال از رفتن به سربازی غیبت کس کرده و در تاریخ ۶۴/۱۱/۷ این سرباز به وسیله شهر بانی دستگیر و به اداره وظیفه عمومی تحویل داده میشود، برادران آقای حسینی با این موضوع مخالفت کردند و آمدند با کفالت و ضمانت این سرباز وظیفه را که ۳ سال غیبت کرده آزاد کردند. تا اینکه خود این فرد بیاید و برود خودش را معرفی کند. بعد از این سرباز فراری حاضر نشده است خودش را معرفی کند و تخلف کرده و این سرباز در سازمان تبلیغات اسلامی سیرجان که به سرپرستی آقای حسینی نماینده مجلس است کار

در پایان جلسه پریروز (پنجشنبه ۲۵ اردی بهشت) سید احمد حسینی نماینده سیرجان از وزیر کشور سؤال خود را در رابطه با علت توقیف اوراق منتشره از طرف سازمان تبلیغات اسلامی سیرجان مطرح کرد و چنین گفت: " سازمان تبلیغات اسلامی سیرجان در تاریخ جمعه ۶۴/۱۱/۱۸ یکی از فرمایشات آیت الله منتظری را تکثیر و منتشر نمود. عین فرمایش معظم له چنین است: " بسعه تعالی حمله بنمایندگان مجلس و شاعر علیه آنان تضعیف مجلس وقوه مقننه است و علاوه بر حرمت آن مخالف نظر شخص امام مدظله نیز میباشد اینجا است آقایان رعایت شرعی و اخلاقی را بنمایند. سؤال ما این است طبق چه قانونی آقای فرما نندار سیرجان در روز جمععه در ملا عام هانتفسد دادستان دستور می دهد و همانند ضابط خود و در مرحله اجرا می شود و اوراق منتشره از طرف سازمان تبلیغات را که فقط فرمایش حضرت آیت الله منتظری را منتشر کرده بودند جمع آوری می کنند و فوراً توسط رئیس شهر بانی سیرجان آن اوراق توقیف می شود که بعد از ظهر آن را از توقیف خارج می سازند. (...)؟ پاسخ وزیر کشور

سپس حجت الاسلام محتشمی وزیر کشور به سؤال مطرح شده پاسخ داده گفت اعلامیه ای به امضاء انجمن های اسلامی دانش آموزان سیرجان مدت یکماه و اندی پیش چاپ شده بود و در سطح گسترده ای در منطقه توزیع شده بود

فصلنامه سهند منتشر شد

شماره های ۵ و ۶ فصلنامه سهند در یک مجلد طبع و نشر شده است. با این شماره، فصلنامه دومین سال خود را آغاز می کند و شورای نویسندگان یک بار دیگر در " سرآغاز " تاءکید می ورزد.

" ... تصدما ایجاد یک جنبش فکری در فضای اندیشه و روان ایرانی است و افزاردستیابی به چنان هدفی، عرضه داشت سلسله مقالاتی است که بطور هماهنگ و در پیوند با یکدیگر، اندیشه ملی را پشتیبان باشد... سهند، برایین وعده خود پایدار ایستاده است، چنانکه در همین شماره سهم عمده موضوعات مورد بررسی در اطراف " جنبش های ملی و جایگاه اجزای ملی "، " پیرامون ملت و ملیت "، " روایتی دیگر از ملت "، و " در آمدی بر مفهوم ملت " دور می زند.

فصلنامه، در این شماره به ترجمه و نشر دودستان کوتاه از دینوبوزاتی نویسنده سرشناس ایتالیایی اقدام کرده است که اقدامی درخور توجه است زیرا مجله ای در ۳۷ صفحه نیاز به فضا های دلپسند دارد به ویژه این که این دودستان بوزاتی از نظر موضوع بسیار هشیارانه برگزیده شده است.

" سهند " را میتوان ارگان فکری همه کسانی دانست که در جستجوی نظریه ای جنبش ملی و فکر سیاسی ملی به تاءمل می پردازند و بر سرآندند تا بانفی پروژه های غیر ملی و ضد ملی از هردست و هرافق سیاسی، بنیادهای اندیشه ملی را بنا گذارند.

داستان موش ها، اثر بوزاتی را از سهند شماره ۵ و ۶ در زیر نقل می کنیم:

موش ها

نویسنده: دینوبوزاتی

ترجمه: شیرین خجسته

ما چرا ی کوریوها چیست؟ در خانه؟ قدیمی شان را چرا از شهر " دوگنلا " چه می گذرد؟ از سالها پیش هرتا بستان میهمانم می کردند، اما امسال برای نخستین بار بی خبرم گذاشته اند. نامه حیوانی هم چیزی را برایم روشن نمی کند، نامه ای غریب که تنها در چند سطر به مشکلات و گرفتاری های خانوادگی اشاره ای مبهم می کند و دیگر توضیحی نمی دهد.

امروز برای نخستین بار ناگهان خود را با خاطره های قدیمی رودر رویا قستم و پیش آمده ای که در آن دوران جزئی و پیش پا افتاده بنظر می رسیدند رنگی

دیگر گرفته اند. مثلا" این یکی: در یک تابستان دور، مدت ها پیش از جنگ دومین باری که میهمان کوریوها بودم... در اطاقم که طبقه دوم خانه قرار داشت و پنجره اش رو به باغ بازمی شد - همان اطاقی که در سالهای گذشته در آنجا خواب می شدم که ناگهان صدای خفیفی شنیدم. از پائین در صدای خرت خرت آمد.

در را باز کردم. موش بسیار کوچکی از میان پا هایم به آن سوی اطاق گریخت و زیر کمد مخفی شد، با ناشی گری فراوانی بیورتمه می رفت، طوریکه به سادگی می توانستم بگیرمش، اما آنقدر ظریف و شکننده بود که...

صبح روز بعد بی هیچ اندیشه قبلی جریان را برای حیوانی بازگو کردم. با حواس برتری پاسخ داد " بله می دانم، موش ها گنگاه در خانه گردش می کنند، " - آنقدر کوچک بود... احساس کردم نمی توانم مثل یک آدم ظالم آن را... آره، می فهمم... مهم نیست.

و موضوع را عوض کرد، طوریکه بنظر می آید گفته های من آزارش می دهد. سالی دیگر هم گذشت - تازه وارد خانه شده بودم که چشم به دو گریبه براق و باشکوه افتاد. هر دو پیرا زنیروشنی خارق العاده بودند، گریبه های پلنگی با عضلات نیرومند پوست نرم و مخملی، شبیه پوست گریبه های که فقط از موش تغذیه می کنند.

به حیوانی گفتم " مثل اینکه بالآخره دست بکار شده ای. حتما " حسابی کشتار می کنند و هرگز با بت بیکاری حقیق نمی گیرند. " جواب داد " به آگس مجبور بودند فقط از موش تغذیه کنند که بیچاره ها تا بحال... "

" ظاهرا " که خوب چاق و چله اند. " - " بله، چون ما از شان مواظب نیست می کنیم. میدانم، در آشپزخانه هر چه

بخوا هندی خوردند. " سالی دیگر هم گذشت. مثل همیشه برای گذراندن تعطیلات تابستان به منزل کوریوها رفته بودم که بار دیگر گریه ها را دیدم. اما هیچ شیا هتی سه سال گذشته شان نداشتند: همه نیرویشان را از دست داده بودند و لاغر و فرسوده و از نفس افتاده بنظر می رسیدند. دیگر در اطاق های مختلف خانه نمی چرخیدند، بلکه با حالتی سرافکننده و خالی از ابتکار مدام میان پا های آقا خانم چرت می زدند. تگران شدم.

" گریه ها مریضند؟ چرا اینقدر لاغر شده اند؟ مگر دیگر موش نیست که بخورند؟ "

حیوانی کوریو با حرارت پاسخ داد " آئی گفتم! این ها احمق ترین گریه های روزگارند. از وقتی در خانه موش پیدا نمی شود به هیچ خوراکی قانع نیستند. میدانم، دیگر حتی یک موش هم در این خانه پیدا نمی شود. " و در حالی که با رضایت می خندید از اطاق بیرون رفت.

کمی بعد، جورجیو، فرزند ارشد کوریوها دستم را گرفت و مانند کسی که خیال توطئه داشته با شدم را به کناری کشید.

" میدانی چرا می ترسند؟ " - " کی ها می ترسند؟ " - " گریه ها، گریه ها می ترسند. پسر ما یل نیست در با ره اش صحبت کنیم. آخر نا راستی می کند. با این حال راستش اینست که گریه ها می ترسند. " - " از چه می ترسند؟ "

" خوب معلوم است، از موش ها، سال گذشته این حیوان های کثیف ده، دوازده تا بیشتر نبودند، اما حالا مدتا هم بیشترند. آن هم نه موش های کوچک سابق. آدم با ورش نمی شود.

موش‌ها

بقیه از صفحه ۷

عزیز کوچولو! از آنها نفرت دارند ولی در عین حال می‌ترسند و نمی‌خواهند شمشان را برانگیزند.

و این وضع چندین سال دوام یافت، تا تا بستن گذشته، در آن نظر رشتنیسند سروصدای همیشگی انبیا را مانده بودم ولی سکوت بر سر آن سرخانه حکم فرما بود. با خود گفتم، سرانجام به آرامش رسیدیم. صبح روز بعد در راه پله‌ها به جیورجیو برخوردیم.

گفتم: "آقرین بر شما چطور توانستید ششان را بکنید؟ دیشب هیچ صدایی از انبیا نمی‌آمد."

جیورجیو با لبخندی محو مرا نگریست و گفت: "پس بیا، بیا بریم تا نشانت بدهم. مرا بسوی زیرزمین هدایت کرد. در آنجا گودال عمیقی بود که دهانه‌اش را با تخته‌های بزرگ پوشانده بودند."

جیورجیو زمزمه کرد: "آنها حالا این زیر هستند. چند ماهی می‌شود که همگی در گودال فاضلاب اجتماع کرده اند و فقط گهگاه چندتایی داخل منزل می‌شوند. همه آنجا هستند، گوش کن."

جیورجیو با موش شاد و صدادار بی‌کوشم رسید که مشکل به وصف می‌آید: "از حجام، همه‌های کروکورو، طنین ماده‌ای در غلیبان یا تخمیر و آواها می‌شنایم مفهوم با جیغ‌های تیز، سوت، زمزمه، چندشم شنیدیم." "قدر هستند؟"

جیورجیو گفت: "ما یک میلیون ها بیابانگاه کن. اما زود... کبریتی آتش زد، تخته‌ها را بلند کرد و آن را با خصل سوراخ پرتاب کرد. همه چیز را در برقی آن لحظه دیدیم. در سوراخی غارگونه که هیا هوی متلاطم حجم‌های عظیم و سیاه‌هی که وحشیانه از سوراخ کول یکدیگر بیرون می‌رفتند و در این ازدحام منفور، نوعی قدرت جهنمی موج می‌زد که کسی را با رای نا بودیش نبود. موشها! و چشمهایشان را دیدیم. هزاران هزار رنگه که خبیثانه به بالا چرخیدند و شاران برجای میخکوبم کرد. ولی جیورجیو با عجله تخته را برجای نهاد."

و اکنون جیوانی برایم نوشته است که ازین پس نمی‌توانند تا بستن هیا میمانم کند. چرا؟ بر آنجا چه میگردد؟ میلی مفاومت نا پذیر مرا به آنجا می‌کشاند. تنها چند دقیقه کفا بیت میکند تا به همه چیز بی‌بهرم، چند دقیقه، همین پس اما اعتراف می‌کنم که جاسارتش را ندانم. در این باره قصه‌های غریبی شنیده‌ام. مثلاً "تعریف می‌کنند که پدر بزرگ و مادر بزرگ خانواده مرده‌اند، که دیگر کسی از خانه خارج نمی‌شود و یکی از مردان ما محتاج کوریوها را تهیه می‌کند، ولی بسته‌هایشان را در مزرعه بی‌بهره می‌نهد. می‌گویند دیگر کسی نمی‌تواند وارد خانه شود، که خانه در اشغال موش‌ها و عظیم الجثه است و خانواده کوریو به بردگی آنها درآمده است."

یکی از دهاتی‌ها که به ویلانزدیک شده بود. ولی نه زیاد، چرا که یک دوجین از این حیوانات کثیف با وضعی تهدیدآمیز از در ورودی مراقبت می‌کردند - می‌گویند که خانم الفا همسر کوریو زان دیده است. همسر دوستم، آن زن نرم و دوست داشتنی الفا در آشپزخانه، در کنار اجاق، در لباس خدمتکاران در یک بزرگی خوراک می‌بخشد و موش‌های گرسنه و حریص آنرا می‌داده‌اند. و الفا با دیدن مرد با دستهای اشاره‌ای می‌کند که: "بخودتان زحمت ندهید، خیلی دیر است، امید ما مدتهاست که مرده است."

می‌شوم زیرا احساس می‌کنم مخالفان رژیم خمینی منتظر نشسته‌اند تا خود رژیم بیعت تنگنا و ضدیت‌های درونی از هم فروریزد. این چنین انتظاری خطرناک است. باید همه ایرانیان متحد شوند و هر چه زود تر بر خیزند و ایران را نجات دهند. پیام اخیر دکتر بختیار بر ما سبب تظارات ۱۲۷ ردی بهشت برایم امید آفرین بود و با ورمی‌کنم که سال سال عمل و جنبش است، چون عقیده دارم رهبر نهضت مقاومت ملی، مرد عمل است.

دانشمارک - داریوش زمانی

از موش کور هم بزرگ ترند. بشمایشان هم زحمت و انبیه شده و سر تا پا سیاه‌اند. اصلاً "گره‌ها دیگر چراغ‌ت نمی‌کنند با آنها حمله کنند."

"و آن وقت شما هیچ کاری نمی‌کنید؟" - "خوب معلوم است که باید کاری کرد. اما پدرا صلاً نمی‌تواند تصمیم بگیرد. نمیدانم چرا ولی انگار این موضوعی شده که همه کوشش می‌کنند صحبتش را به میان نیاورند چون پدرا را خشمگین می‌کند."

سال بعد صداها از همان شب اول بلند شد. سروصدای تاپ و تاپ طبقه بالا چنان کوبیده بود که سقف را به لرزه در می‌آورد. به این میمانست که جمعیت دیگری در حال دیدن باشند. حال آنکه من خواب می‌دانم طبقه بالا خالیست و کسی در آن زندگی نمی‌کند. آنجا انبیا رقیب قابل سکونتی است که از زمین‌ها بکهنه، صدای و اشیا بی‌ارزش دیگر پر شده. با خود گفتم عجب سواره نظمی! مشکل اینک موش‌ها به اندازه خرگوش شده‌اند چنان هیاهویی بود که بسختی بخواب رفتم.

فرمان سر می‌صباح نه پرسیدم: "آخر شما برای این موشها فکری نمی‌کنید؟ دیشب در انباری بالا نشسته مجلس رقص بر راه انداخته بودند!" و همان دم چشم به صورت جیوانی افتاد. با حالتی مبهم گفت: "موش‌ها؟ کداه موشها؟ خدا را شکر که دیگر در این خانه موش پیدا نمی‌شود."

(...)

اندکی بعد، با زهم جیورجیو فرزند ارشد خانواده واقعتاً را با من در میان گذاشت: "به حرف‌های پدرم توجه نکن. صدایی که شنیدی از دیدن موشها بود. ما هم خودمان نگاه از شدت سروصدا خوابمان نمی‌برد... اگر آنها را می‌دیدیم... دیگر موش نیستند، هیولا شده‌اند. مثل ذغال سیاه یا پشم‌های زخمت و سیخ، مثل شاخه‌های درخت. راستش در مورد گرهبه‌ها هم... بله، این موشها بودند که گرهبه‌ها را نابود کردند. یک شب که بخواب رفته بودیم که صدای معمولی وحشتناکی بیدارمان کرد. توی سالن طوفانی برپا بود. همگی از رختخوابها بیرون پریدیم، اما هرگز نتوانستیم گرهبه‌ها را پیدا کنیم... فقط جای دسته‌های پشم کهنه شده و لکه‌های خون دیده می‌شد."

"پس چرا کاری نمی‌کنید؟ تله‌های زهری... نمی‌فهمم چرا بدرت هیج اقدامی... نه، اینطورها هم نیست. راستش این قضیه برای من مثل کابوس شده. حالا دیگر او هم می‌ترسد. و نمود می‌کنند که بهتر است آن‌ها را تحریک نکنیم، می‌باید وضع بدتر نشود. می‌گویند در هر حال نتیجه‌ای هم ندارد چون دیگر تعدادشان خیلی زیاد شده. به عقیده پدرم تنها کاری که می‌توان کرد آتش زدن انبیا را داخل باغ است... گذشته از آن، میدانم چه می‌گوید؟ ممکن است بنظر شما حقاقتاً بیاید، ولی او می‌گوید بهتر است چنین آشکار به آنها دشمنی نوزیم."

"یا کی‌ها؟" - "یا موشها. می‌گویند پدرا زود وقتی تعدادشان بیشتر شد بفرکانقا جوئی می‌افتند، گاهی اوقات تصویری کشم که پدرم را رد دیوانه می‌شود. یک شب هنگامی که او ما درم یک سوسیس بزرگ را توی انباری پرتاب می‌کردند مجشان را گرفتیم، اندکی خوراک برای حیوانات

سال بازگشت

من بیست و دو ساله‌ام و ده ماه است از وطن عزیزم راج شده‌ام. اما خدا گواهاست که برای بازگشت به وطن دقیقه شماری می‌کنم. اینجا و در ایران چشم امید من و میلیون‌ها ایرانی به نهضت مقاومت ملی ایران دوخته شده است. با خود می‌گویم این نهضت مقاومت است که خاکمان خدا برانی را و از گون خواهد کرد. اما در خارج از کشور گاه نویسد

چاپ تمام با نسی از نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان گرامی فقط برای منعکس کردن نظریات و عقاید و برداشته‌های شخصی نویسندگان نامه‌هاست. با آرزوی توفیق و نشر نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان عزیز ما و سمنای موافقت و هم‌راهی ارکان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران با مفاصل همه این نوشته‌ها نیست. این صفحه در خدمت منعکس کننده عقاید گوناگون و به سر راه ترسیون آزاد است. نویسندگان نامه‌ها نامی کنیم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود یا در نوشته‌ها نامشان محفوظ بماند. انزرون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اشخاص و گروهها حکم حرمت تودویا غلت و بزرگوار می‌نماید ملحوظ نگردد. مدوریم.

نامه‌ها و نوشته‌ها



صوف ملی مبارزاتی مان را استحکام بخشند. با پیوستن به نهضت مقاومت ملی ایران قدمی بزرگ در راه بیروزی ایران برداشته‌ایم و عدم آن یعنی باز به دام انبیا اسیر بودن و تحمیل درد فعلی. به امید پیروزی نیروهای ملی و ملت ایران و جذب سریع تمام مایه‌های برای آینده. تا سیونا لیست در نهضت مقاومت ملی ایران.

آلمان غربی - بابک سهیلی

فریبکاری

گرامی نشریه قیام ایران به نظر من بزرگ ترین گناه جناب سید روح الله واعوان وانصارش این است که بر حمت مردم سوار شدند و نارضایی مردم از "آریا مهر" را در خلا فرهنگ سیاسی به پلکانی برای جهش برسکوی قدرت بدل کردند (...)

حالا دور از آن شما و زبان لال دوباره داریم استفاده از احساسات کور و خودچوبی و بی محتوای توده را در روزین نامه شما ملاحظه می‌کنیم... و آن اینکه در نشریه قیام ایران شماره ۲۵ مسلسل ۱۵۰ گزارشگر مربوطه از تهران بیامی در مورد سید کاظم شریعتمداری فرستاده است که از بند بندای نوشته‌های گزارش بوی سوار شدن بر حمت و نا آگاهی و احساسات کور مردم می‌آید (...)

آیا گزارشگر مربوطه یا شوروی نویسندگان که تصمیم به چاپ این گزارش گرفته‌اند بر اساسی شریعتمداری را یا آنقدر مهم و درخور توجه می‌دانند؟ مگر این آقای شریعتمداری در طول این عمر ۹۰ - ۱۰۰ ساله چه گلی بر سر این مردم بینوا زده است که شما بر این قدر برایش نشنیده‌اید غریب بازی درمی‌آورید؟ مگر ایشان غیبر از آن توضیح المسائل مربوطه در سباب طهارت و نجاست و حیض و نفاس و... چه اثر علمی و ادبی و اخلاقی دیگری به طبع رسانیده است که شایسته این همه تمجید و تعریف باشد؟

در حوالا اگر واقعا "دلنان بی‌ارای ملت و مملکت می‌سوزد مطمئن باشید که شریعتمداری‌ها و امثال ایشان هیچ گلی بر سر این مردم مرزبوم نخواهند زد و بدانند که: پس شما نیست و شما ندر و زگار دل به دنیا در بندند هوشیار این که در شیشه‌ها آ آورده‌اند رستم و روئین تن اسفندیار تا بدانند این خداوندان ملک کز بسی خلق است گیتی یادگار

تلفن خبری هم‌میهنان عزیز! هر روز تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می‌دهد. شماره تلفن: ۸۵ - ۸۵ - ۳۶ - ۲۲ پاریس

اتحاد نیروهای ملی

ضمن اظهار خوشبختی از پیوستن روزافزون آنها ده‌ها سازمان‌های تا سیونا لیست و ملی گرا به نهضت مقاومت ملی ایران و عزم آن‌ها برای اتحاد نیروی متحد و یکپارچه افق‌های روشن آزادی ایران فردا را توید بخشان می‌نماید. و این مایه‌ها مبارکات هرات ایرانی وطن پرست می‌باشد.

مگر نه آنکه دروا پسین روزهای آشفتگی یگانه شخصی که یک تنه در برابر توطئه ایستادگی نمود و هرگونه بدبینی و دشنام و تنگ نظری را به جان خرید بر همگان و پنهان می‌ماند؟ از نظر هیچ شخصی که حتی لحظه‌ای در خلوت به گذشته‌ای نه چندان دور نظر افکند پنهان نیست که سهم به‌سزای شاپور بختیار در دوران فتنه و رسالتی که داشت چه بوده، و چه می‌باشد.

بسیار بودند کسانی که حتی بیعت با امام کذابی نمودند و دیدیم که چه سرنوشتی حاصلشان شد. و امروز آنسان سنگ ایران و ایرانی را به سینه می‌زنند که گویی دیروزشان قرا موشان شده. چگونه بازوی سرکوبگر ملت ایران شدند و شرمشان که نه حتی بابی حیایی تمام امروز خود را پیش قراولان آزادی و آبادی ایران می‌دانند. تاریخ‌عاصر ایران سهم نیروهای ملی را در رسیدن به حاکمیت ملی یکبار در پیوسته آزمايش دوران مصدق تجربه نموده و این بار ملت ایران که جهت خود را برزیده، دیگر استعمارگران را نخواهد خورد. بار دیگر در دوران ۲۷ روز دولت بختیار بود که علی رغم فشارها و نا همگونی‌ها دیدیم که چگونه استقرار دمکراسی و استقلال و حاکمیت ملی بدست یکی از رهروان مصدق عملی گردید. در پی آن که جو آشفته آن زمان توسط سیمای‌های بیگانگان آلوده بود و فتنه غالب گردید. اما امروز مردم ایران بیدار شده‌اند و از نظر درس سیاسی نیز آگاه و همانگونه که در تظاهرات آرام ۲۷ اردی بهشت ۶۴ به جهان نیان ثابت کردند که اکثریت با سلیمان می‌باشند. و دیگر احتیاج به دایه عزیزتر از مادر ندارند. و آن گروه‌هایی که خود را اکثریت منتخب ملت می‌دانستند چگونه سرخورده شدند. این واقعتاً امروزه بر همگان روشن است که نهضت مقاومت ملی ایران اولین سازمان متشکل و گسترده و پیچیده برضد دشمنان ممالح ایران و ایرانی می‌باشد. و عوامل براندازی آن حتی در درون مرز تحت هسته‌های مقاومت چند نفره آماده قیام ملی هستند. نهضت مقاومت ملی ایران از آن شخص و یا گروهی خاص نیست، بلکه هر ایرانی وطن پرست و دمکرات بدون آنکه خود بیدارند در راه نهضت مقاومت ملی ایران گام برمی‌دارد. آزادگی و دمکراسی و ملی گرایان اجزاء ناگسستن آلمان نهضت مقاومت ملی ایران می‌باشد.

هموطن حرف ما یکی است و سعی ممان برای سر بلندی ایران فردا می‌باشد. پس با پیوستن به یکدیگر آهنگ پیروزی سریع دهیم. تا سفاز آنکه در کمی مدای ضعیف جبهه بازگشت نورانی شونیم و امیدم. ه‌جای وقت تلف نمودن

فواد روحانی



مصدق ونهضت ملی ایران در کشاکش چپ و راست فضای طوفانی مذاکرات

"من در ابتدای مذاکرات گفتم دولت انگلستان از گوش‌ها می‌کشد که مستتر هرچیز برای تسهیل حل مسئله ایران به عمل آورده است جدا" قدردانی می‌کند به طوری که گزارش مستر استوکس نشان می‌دهد آن دو به بهترین نحو همکاری کردند و مستر هریمین از هیچ گونه کوشش فروگذار نکرده است و اگر آن‌ها تاکنون نتایج‌های نگرفته‌اند از آن جهت بوده که با مردمی به کلی غیر معقول طرف بوده‌اند اما حالا مسئله اینست که بعد چه باید کرد، بنظر ما تنها امید بهبود وضع در ایران است که دولت ایران تغییر کند. سپس من از مستر هریمین پرسیدم آیا او مطلب دیگری دارد که اضافه کند مستر هریمین گفت سفر او به ایران او را به ایسنت نتیجه رسانده است که معامله با مصدق و مشاورانش غیرممکن است... بعد گفت به او اطلاع داده شده که ما دستورهائی به سفیرمان در تهران می‌فرستیم که شاه را تحت فشار قرار دهد تا مصدق را معزول و سیدشاه را جانشین او کند و او از این موضوع سخت نگران شده است. او گفت هیچ کدام از امریکائی‌ها نمی‌توانند به ایران نیایند که با آن‌ها مذاکره کرده است (از جمله شاه) سیدشاه را قادر به اداره امور نمی‌دانند. دولت آمریکا عقیده ندارد که تغییر ناگهانی دولت وضع را بهتر خواهد کرد. بلکه می‌ترسد از اینکه با یک چنین تغییر وضع حتی خطرناک تر شود. بنا بر این نظر شخصاً و ایستگاه دستورهای که ما به سفیرانسیس سپردیم فرستاده‌ایم نوعی است که وضع را بدتر خواهد کرد، نه بهتر. او توضیح کرد که ممکن است در باره امکان تغییر دولت با شاه مذاکره شود ولی بدون آن که تغییر را قادر به اداره امور نمی‌تواند جانشین مصدق شود فشاری به او وارد آید و نمی‌تواند به دولت آمریکا توصیه کند که به سفیر آمریکا در تهران دستور پشتیبانی از اقدام سرفرانسیس سپرد داده شود... من گفتم ما در برابر وضعی قرار داریم که ایرانی‌ها می‌گویند دارائی انگلیس برابر است ارزش بیش از ۳۰۰ میلیون لیره بدون مذاکره صحیح و غیرمستقیم قابل ذکر تصاحب کنند. ایران در حال حاضر دولت مؤثری ندارد و در حال آنکه وجود یک چنین دولت برای ایران بسیار ضروری است. بنظر ما تنها راه تشکیل یک چنین دولت اینست که شاه از اختیارات مخصوصی که طبق قانون اساسی دارد استفاده کند."

در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۱ (۳ مهر ۱۳۶۰) سفیر انگلیس طی تلگرافی که به وزارت خارجه انگلیس فرستاد اطلاع داد که رئیس اداره امور ایران در وزارت امور خارجه به او گفته است که نظر سنجیده آمریکا می‌تواند که در محل هستند اینست که در مرحله کنونی هیچ احتمال نمی‌رود که شاه اقدام قطعی برای کنار کردن مصدق به عمل آورد. عدم تمایل دولت آمریکا در آن زمان به اعمال نفوذ برای برکنار کردن دکتر مصدق دولت انگلیس را به هیچ عنوان از این فکر منصرف نکرد. طبق سندی که در بخش روش و نظریه دولت آمریکا نسبت به حکومت دکتر مصدق نقل شد (۲) کاردار سفارت انگلیس در تهران در طی گزارشی که در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۸ آبان ۱۳۶۰) به لندن فرستاد با زبانه این موضوع برگشت که با یسد دولت دیگری جانشین دولت مصدق شود و صورت نگرفت. این تغییر را به علل زیر نسبت داد: اصرار سفیر آمریکا به اینکه یک فرصت آخری باید به مصدق داده شود، سیاست تردیدآمیز معمول شاه و متشکل نبودن جبهه مخالف دولت در مجلس شورای ملی. او در پایان گزارش با لزوم موافق نمودن دولت آمریکا را با تغییر دکتر مصدق به این عبارت بیان کرد: "ما باید نوعی تغییر به وجود بیاوریم اما اگر ما امریکائی‌ها در جهت واحد اقدام نکنیم به عقیده من مصدق برای مدت نامعلوم بر سر کار خواهد ماند و همان طور که مادر گزارش خود گفته ایم یک چنین وضع بسیار روخیم خواهد بود." اما در آن زمان به علت عدم موافقت شاه تغییر دکتر مصدق صورت نگرفت.

کوشش برای تجدید وساطت

در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۶۰ دکتر مصدق نامه‌ای به هریمین نوشت و اظهار نمود که بعد از عزیمت استوکس خبری از او دربارۀ تعقیب مذاکرات نرسیده ولی شنیده می‌شود که دولت انگلستان در انتظار ردیافت پیشنهائی از

طرح استوکس مدت یک هفته بین او و نمایندگان ایرانی و از جمله در یک ملاقات خصوصی بین او و دکتر مصدق مورد مذاکره قرار گرفت و در این ضمن وساطت‌های مصرانه‌ای نیز از طرف هریمین و سفیر انگلیس و آمریکا برای قبولانیدن شرایط پیشنهادی به عمل آمد. اما دکتر مصدق در این نظر پافشاری کرد که طرح استوکس با فورمولی که دولت بنای مذاکره قرار داده بود منطبق نیست و اصل ملی شدن را تأمین نمی‌کند. بنا بر این استوکس در تاریخ ۲۹ مرداد پیشنهاد خود را پس گرفت اما در عین حال به منظور قابل قبول نمودن طرح خود اطلاعی در ضمن بند ۴ آن به دکتر مصدق پیشنهاد کرد. از این قرار که به جای شرکت عامل یک دستگاه مدیریت تحت مسئولیت یک مدیرکل انگلیسی تأسیس و اختیار کامل به مدیر مزبور داده شود و با تصریح گردد که در هر مورد که بین نظر او و نظر دولت ایران اختلافی پیش آید نظر دولت نافذ خواهد بود اما این پیشنهاد نیز مورد قبول واقع نشد.

در همان روز استرداد طرح استوکس هریمین نامه‌ای به دکتر مصدق نوشت و با ردیگر تأکید کرد که حل اختلاف جز به وسیله سازش با سازمانی که دارای همه وسایل لازم برای حمل و نقل و فروش نفت دریا زارهای جهان باشد ممکن نخواهد بود و چنین سازشی مستلزم آنست که شرایط معامله برابر شرایط متداول در سایر کشورهای نفتخیز باشد. یعنی تنصیف درآمد فروش بین طرفین. ضمناً نامه هریمین یک تهدید تلویحی نیز در برداشت یعنی اضافه می‌کرد که "بنظر دولت متبوعه ما اینچنان نگرفتن دارائی خارجی‌ها از طرف هر دولتی بدون پرداخت غرامت سریع و کافی و حقیقی یا توافق در باره ترتیباتی که متضمن رضایت طرفین باشد ضبط و توقیف است نه ملی کردن" اما مندرجات نامه هریمین در نظریات دولت ایران تغییری به وجود نیاورد و بنا بر این میسیون هریمین - استوکس منتهی به شکست شد. روز ۳۰ مرداد دکتر مصدق گزارش مذاکرات با میسیون استوکس را به مجلسین داد و علت رد پیشنهاد ده‌ساله استوکس را به این شرح بیان نمود که سازمان عامل یا دستگاهی که به شرط مدیریت یک انگلیسی پیشنهاد شده بود در حقیقت احیای شرکت سابق خواهد بود و این پیشنهاد البته با قانون ملی شدن منطبق نیست. مخصوصاً از این جهت که شرکت ملی آزادی عمل در فروش نفت تولیدی نخواهد داشت و سازمان پیشنهادی ۵۰ درصد درآمد را نیز تصاحب خواهد کرد. مجلسین تصمیم دکتر مصدق را تأیید کرد و به او رأی اعتماد دادند. روز ۳۱ مرداد اول استوکس و روز اول شهریور هریمین ایران را ترک کردند اما هر دو قبل از حرکت اظهار نمودند که مذاکرات قطع نشده بلکه معلق گردیده است.

روز اول شهریور دیولندن در برنامۀ فارسی خود اعلام نمود که هیئت وزیران انگلیس پس از دریافت گزارش استوکس به این نتیجه رسیده است که چون دولت ایران اصرار در اجرای قانون ۹ ماده‌ای دارد مفاد آن قانون برای انگلستان قابل قبول نیست. تعقیب مذاکرات با دولت ایران مفید نخواهد بود مگر در صورتی که دولت حاضر به مذاکره بر اساس معقول و منطقی بشود.

هریمین هنگام ورود به لندن ضمن یک مصاحبه مطبوعاتی دربارۀ محیط مذاکرات تهران چنین گفت: "احساسات شدیدی که اکنون در ایران حکمفرما است مذاکره و بحث را بسیار دشوار ساخته و عامل دیگری هم که به این دشواری اضافه گشته اینست که دولت ایران مشا و ورین مطلع و آزموده‌ای که در امور بزرگانی نفت و وسعت عمل جهانی آن اطلاعات کافی داشته باشند ندارند. نظر به این مراتب خیلی طبیعی بود که فشارهای سیاسی بی‌تناسب دولت ایران را تحت تأثیر خود قرار دهد و مانع از حل قضیه گردد... اگر تنها هم بیشتری حاصل گردد می‌توان مذاکرات متوقف شده دوباره شروع نمود. اما به طوری که در بخش بعد گفته خواهد شد مذاکرات میسیون هریمین - استوکس تجدید نگردید.

فترت چهار ماهه (شهریور - آذر ۱۳۶۰) بین دومین و سومین پیشنهاد اختلاف

بین ردی پیشنهاد استوکس و طرح پیشنهادی بعدی چهار ماهه فاصله شد. در این مدت هر چند تغییری در وضع اختلاف صورت نگرفت ولی تحولاتی رخ داد که از نظر تسلسل رویدادهای مربوط به بحران نفت یا دوری آن ضروری است.

فکر تغییر دولت

با این که مجلسین اقدام دولت را در ردی پیشنهاد استوکس تأیید کردند ولی بسیاری از اشخاص که از پیشنهادیش مضیقۀ ملی و رکود اقتصادی نگران بودند احساس بی‌سروسر مختارات سیاسی نیز می‌کردند عقیده داشتند که اگر دولت انعطاف بیشتری نشان می‌داد ممکن بود اختلافی حل شود. به طوری که قبلاً گفته شد هریمین و استوکس هنگام عزیمت از تهران گفتند چنانچه دولت نظریاتش را تعدیل کند ممکن است مذاکرات تجدید شود. عسده‌ای از اشخاص که از جریان امور مطلع بودند با توجه به این اظهار شروع به تبلیغ این فکر نمودند که دولت سازگارتی با بدروی کار بیاید و فعلاً لیت‌ها می‌درخفیه بمنظور بر سر کار آوردن قوام السلطنه یا سیدضیا؛ صورت گرفت. بدیهی است که شرکت نفت و دولت انگلیس به هر طریق که می‌توانستند برای وقوع یک چنین تغییرات عمل نفوذ می‌کردند.

بعد از بازگشت هریمین به آمریکا جلسۀ مشورتی در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۱ (۲۰ شهریور ۱۳۶۰) در وزارت خارجه با شرکت هریمین و سفیر انگلیس تشکیل شد. سفیر همان روز جریان مذاکرات جلسه را به تفصیل به وزارت خارجه انگلیس گزارش داد. ما ترجمه قسمت‌هایی از گزارش مزبور را نقل می‌کنیم (۱).

طرف ایران می‌باشد. بنا بر این دولت اظهار می‌کند که حاضر است مذاکرات را بر اساس چهار اصل زیر تجدید کند: فروش نفت به مقدار نامحدود به انگلیسی‌ها به قیمت بین المللی با این تفاهم که شرکت سابق صدی پنجاه قیمت را برای تصفیه غرامت خود نگاه دارد، تأسیس یک شرکت بین المللی با مشارکت ایران برای حمل و نقل و توزیع نفت به جای سازمان خرید پیشنهادی استوکس، تعیین غرامت شرکت سابق یا از روی ارزش سهام شرکت یا طبق قوانین سایر کشورهای به وسیله مذاکره دوستانه، و نگاه داشتن کارخانگان انگلیسی در دست‌های فنی. روز ۲۳ شهریور هریمین به نامه دکتر مصدق چنین جواب داد که اصول پیشنهادی مشارالیه همان مطالبی است که قبلاً هم به استوکس اظهار شده بود و استوکس به علت عدم تطبیق نظر دولت با وضع بین المللی صنعت نفت نمی‌توانست با آن موافقت کند. وی اضافه کرد که چون دولت انگلستان اصولاً حاضر به تجدید مذاکره بر اساس پیشنهادهای معقول می‌باشد بهتر است دولت ایران در مورد تنظیم پیشنهادها عملی برآمده و از دولت انگلستان برای تجدید مذاکره بر اساس دعوت کند. پس از وصول نامه هریمین دکتر مصدق اصول چهارگانه پیشنهادی خود را در یادداشتی بدون تاریخ و امضاء شرح داد و از وزیر دربار خواش کرد که یادداشت را به سفیر انگلیس ابلاغ کند. وزیر دربار روز ۲۸ شهریور یادداشت را به سفیر انگلیس تسلیم کرد اما مشارالیه در تاریخ ۳۰ شهریور در پاسخ اظهار کرد که گذشته از این که یادداشت رسمی نیست اصولاً محتویات آن هم پیشرفتی نسبت به روش سابق دولت ایران نشان نمی‌دهد و تجدید مذاکرات بر اساس آن مورد ندارد. به این ترتیب وساطت هریمین و مذاکره با استوکس تجدید نگردید.

وضع اقتصادی کشور

در دوره مورد بحث مضیقۀ مالی و رکود اقتصادی کشور روز بروز شدیدتر می‌شد. شرح وضع اقتصادی در مدت بحران اختلاف نفت در بخش دیگر خواهد آمد. اینجا اشاره به این نکته کفایت می‌کند که وضع معزبور احساس نگرانی و نا رضائی عموم و فکس تغییر حکومت را تقویت کرد. در جلسۀ ۲۱ آبان مجلس شورای ملی، جمال‌آبادی ضمن شرح نامساوانی وضع اقتصادی حمله سختی به حکومت دکتر مصدق کرد و از جمله گفت: "بباید ببینیم در این هفت ماه برای این فقر و فلاکت را ازین ببریم دولت کنونی چه کرده... آیا جز اینست که در این مدت فقر و فلاکت بیشتر شده است... دکتر مصدق سرکار آمد که از شرکت سابق خلع ید بکنند. الحمد للهِ که کرد. از انگلیس طلب یدیش از ایران هم خلع ید شد. نفت ما هم رفت زیر زمین... دیگر بس است دیگر چه می‌گوئید و چه می‌خواهید؟ این دکان هفت ماهه باز بوده حالا دکان دیگری باز کنید." کاردار سفارت انگلیس در گزارش مورخ ۱۹ نوامبر (۲۸ آبان) خود به وزارت خارجه انگلیس که قبلاً به آن اشاره شد در توجیه نظر خود را بر روی کار آوردن قوام می‌گوید: مضیقۀ اقتصادی هر روز محسوس‌تر می‌شود.

۱- از آرشیو محرمانه دولت انگلیس: سند شماره

FO 371/91472/73456

۲- از آرشیو محرمانه انگلیس سند شماره

FO 371/19002-1901

بقیه از صفحه ۱

یکشنبه ۴ خرداد در آملی تئاتر ستاد مشترک یک جلسه مخصوص افسران تشکیل شده بود. چهارتن از پاسداران در مقابل در ورودی، ارتشبیانی از درجه سرهنگ به پایین را با زورسی بدنی می‌کردند بطوریکه اشک در چشم بسیاری از افسران حلقه زده بود. هم‌اکنون این شایعه در راهروهای ادارات نظامی دهان به دهان نقل می‌شود که میان سرهنگ صیاد شیرازی و محسن رضایی بر سر قتل یک افسر ارشد، بدست یک پاسدار مشا جرحه سختی درگرفته و رضایی به صیاد شیرازی سلی زده است. صیاد شیرازی به خمینی شکایت کرده ولی خمینی ضمن حمله به ارتش، پاسخی داده است ارتش هیچ خدمتی در جنگ نکرده و ما هر چه شهید دادیم، از سپاه و بسیج بوده است، بروید خودتان را اصلاح کنید."

عنا صرملی در همین گزارش می‌نویسند: در هفته آخر اردیبهشت ماه افسران واحد دریائی سپاه پاسداران در بندر پهلوی، بخش‌هایی از پاسداران نیروی دریائی را به زور تصرف کردند. فرمانده پاسداران تلاش زیادی به خرج داد تا آنها را از محوطه پاسداران اخراج کند اما پاسداران ضمن مقاومت، عده‌ای از فرمانداری دریائی را مضراب کردند. فرمانده پاسداران ناگزیر دستور داد که فرماندهان پاسداران را از سفینه‌ها انبرداشتن به تن و بدون استفاده از سلاح، پاسداران را دستگیر و محل‌های اشغال شده را بازپس گیرند.

بحران در ارتش ایران

اصحاب عمل!

بقیه از صفحه ۱

وا ز این قبیل کم نیستند که از علت ها آگاهند و یا خود را آگاه نشان می دهند. ریشه های درد را می شناسند و یا به شناسائی تظاهر می کنند ولی آنجا که پای چاره جویی در میسبان است در پیج و خم "مصلحت جویی ها و راهنما ئیها" نا خواسته طلب را رو می کنند که پوست کنده اش اینست:

حرکت از دیگران و برکت از ما - و "دیگرانی" که از حق چون چرا محرومند، تنها ادای یک وظیفه بر آنها مقرر است و آن گسترده سفره است و مهلتی هم برای تدارک و کنکاش ندارند - باید قیام کنند و کار را بیکسره.

نویسنده ای این سطور چندی قبل، ضمن گفتگویی با یکی از این قماش اصحاب "اصالت عمل" مصادق تمام عیار را از این گونه "راهجویی ها" و "صلاح اندیشی ها" را بازشناخت.

"به عقیده من باید از بسیاری سرمایه گذاریهای فکری و طبعی" مادی، در کار تلاش های بیرون - مرزی و درون مرزی چشم پوشید و در عوض همه نگاه ها و نیروها را به سرکوب رژیم سوق داد. چرا که با اندک تاء خیر و متلطم همه هستی و هویت ما با یمال است.

چون "توصیه اش" از یک "اندر زودلالت" کلی تجاؤزنی کرد، ناچار به اصرار خواستم، از طرح مورد و نمونسه دریغ نکنند. توجیه دادم که "توصیه و راهنمایی" وقتی قیمت دارد که بر جزئیاتی متکی و لااقل شامل نمونه هایی هم باشد. تا طرف بدانند، چه چیز را باید حذف کند و چه طور می تواند همان حذف شده را به زخم دیگری بزند؟ چرا که تا مطلب شکافته و خلاصی نشود و مثلاً در همین زمینه از آن (بسیار سرمایه - گذاریهای زائد) لااقل نمونه ای مطرح نباشد، مسئله ای حل نخواهد شد.

اعلا حرفی پیش آمده و بیگوشی رسیده و از گوش دیگر بیرون رفته است. به زحمت فراوان سرانجام، نمونسه ای را عنوان کرد:

"یکی از این کارهای پر زحمت وزائد و بی نتیجه، بخصوص در این کشورهایی که بی نتیجه، همین نشريات فارسی زبان جورا جور است که نه بکار فارسی ها می آید و نه دردی از خود ما دوا می کند. و خود انا فاه کرد:

"مسلمان" مقصود من آن گروهی نیست که بنا بر ما - موریت و مژدی گاه گاه از زمین میرویند و چند لنترانی ببار این وجدنا سزا نشان آن میکنند و برای مدتی غیب می شوند. تکلیف این دسته و غرض و هدفشان روشن است، حق العملی برسد پیدا یند - نرسند غائبند - منظور نشرياتی است از سنخ آنچه شما هر هفته تحویل ما می دهید که نمی گویم سود مند نیست، بلکه فقط سوال می کنم ارزش "عملی" آنها چیست؟ چه شری بر سر نوشت ما و رژیم می

که مثل زالو به پیگره می بندد شده است و خون می مکد، بجا خواهد گذاشت؟ آیا بهتر نیست این نیروی را که پیدا است، می تواند موثر، کار ساز هم واقع شود به خط دیگری بیندازید و موجودیت رژیم را نه روی کاغذ، که روی واقعیت وجودش هدف بگیری؟"

طرف بی آنکه از ابهام "این انتقال نیرو" ذره ای بکا هد به نتیجه نیرسید: "بگمان من، از قلم و سخن باید گذشت و به حرکت و قدرت پرداخت. این هیولا را با نوشتن و گفتن نمی توان از پا انداخت حتی اگر در فن خود هنر را به اعجاز بدل کنید."

اعتراف می کنم که گفتگوی ما به جایی نرسید و نمی توانست برسد که حریف اگر چه آتش در کار نبود به آتش گرفته ای میمانست و جویای آب و غافل که آب را هم باید از جای جست و بتصور من، انگیزه ای این ساده نگریها و آسان گیری ها، مخصوصاً "نزد آن گروه که دستهای آلوده بر آتش دارند و لااقل نفس آزاد را نابخاشناکند، تنها وسعت و شدت مصیبت نیست - این گذر عجلانه از مسائلی تا این پایه حیاتی از عوارض دیگری نیز ریشه می گیرد که یکی از جد ترین آن ها میراث دهها ساله ای است که "تفکر" رانفی کرده است.

آن عادت که انسان را در قیبال هر "عملی" خود بخود به اندیشیدن و کا ویدن دعوت می کند، از اکثر ما سلب شده و این است که وقتی کسی پیدا میشود و استدلال می کند، دستیابی به هر منظوری و مثلاً همین (سرکوب رژیم)، مستلزم تاء مین شرایط و امکانات است که عمده ترین آن ها آگاهی های سیاسی و اجتماعی در مردم است - فراوانند که از گروه در میروند، که (شما عمل را گذاشته و به حرف سپیده اید) - حالا فرض کنید که برای استدلال تاء صل در دنیا زها و احتمالات دورترین افزوده شود که طوفانی براه میاندا زند و بجوش می آیند. عجبی نیست در بی این همه بی تابی و خروش و التهاب، از چند و چون "عمل" مقبول خود حتی نشان نیده تا ریکی هم بدست نمی دهند. حکایت مگرری است که متاء سفانه همین فرا راز تاء مل و تشخیص بود که این تحفه جهانی را بدامن ما انداخت و تجربه هم، آنقدر که شایسته است برای جمعی، بیداری ببار نیارود که به حکم میراث وعادت "صلاح" را از "فکر" بریده اند.

بهر تقدیر - چاره چیست؟ - به بیانه ای وجود این کمبودها و ضایعات فرهنگی، نمی توان از واقعیت ها و مصلحت ها چشم پوشید و خوشبختانه اگر هنوز بیداری همه گیر نیست، بیدار شدگان هم اندک نیستند، نهیب تجربه کار خود را کرده است. در تحلیل نیازها - ناچار باید مختصات

فقط فریاد قلب خود را منعکس می کنند و حتی بمعنای "عمل" نیز راه نبرده اند. در قبال این مسئولیت های خطیر گسده در راستای براندازی و جانشینی مطرح است، حالا اگر برای آن دهها میلیون انسان در قفس ترمیم و تجربه زندگی در فضا های آزاد مقدور نیست، در عوض برای این دو میلیون انسان پراشرکه مقدور است.

با این حساب اگر بخلاف نظر آن به اصطلاح اصحاب عمل ادعا کنیم، کسه نشريات و امکانات روشنگرا مروزحتی به کفایت نیست، بپرا نرفته ایم. برای ما جلالی وطن کرده ها - علی رغم با رستگین شاد اند و در غربت، این فرصت مفتنم وجود دارد که در حین ادای سهم خود در خط مقابل به رژیم و شرکت موثر در جبهه براندازی - از آمادگی بسود بنای فردا، جدد ر قلمرو مسائل اقتصادی و چندر زمینه خلش مناسبات بهنجار اجتماعی و سیاسی، دین خود را بپردازیم.

خوشبختانه برای ما - هم تجربه و محصول دیگران راهنماست و هم امکانات تبادل نظر و تصحیح و راهجویی مهیا است.

باید قلم ها وزبان ها را با احساس مسئولیت بکار گرفت و مخصوصاً از آزمون میزبان ها آموخت، که این یک دادوستد شقیقانه است و ولو گاه به تنهائی بگراید.

باید بسا موزیم - در نوشته ها و گفته ها - تحمل مخالف با چه ما هم متعالی و مقدسی آمیخته است.

باید بخود بقبولانیم که در پشت جلد ها، مصلحت های ملی نشسته اند، مسدال قهرمانی در کار نیست.

باید عمق زندگانی همین میزبان ها را بکا ویم تا بدانیم که چرا با وسواس و اصرار بر "کثرت گرائی" ایستاده اند و چگونه با قبول "اندیشی آزاد" و "دادوستد عقیده" نه فقط از موجودیت که از قدرت و عظمت خود پاداری می کنند.

بر ما است که در رهگذر آماجی به سوی هدف (براندازی و جانشینی) به راز برآمدن آن ها که دست کم در کعبه تاریخ از ما عقب بودند و بر ما سوار شدند، آگاه شویم.

بر این نیازها مگر جز با قلم و زبان می توان پاسخ داد؟ عیب کار اینست که بعضی تحت تاء شیرا استمرار اختناق، فکر کردن را که با زتنسب عینی اش همان گفتن و نوشتن و شنیدن و خواندن است، دشمن (عمل) یافته اند، غافل که عمل تهی از اندیشه، چراغ بی روغن است.

چندبار با مغز دیگری فکر کردیم و چوب خوردیم؟ از این تکرارهای مصیبت بار رنبا یید عبرت گرفت؟ نیاز اکبرما - در همان خط براندازی - آموختن و بیادرفتن الگوهای تجربه شده است.

افسانه ای غرب زدگی، این افسون جا دوگران را با یدلاق گفت. دمکراسی در غرب شکفته شد، پس از غرب با یدش آموخت. این معارضه هیت ما نیست، سرمایه طراوت و حیا ما است.

دریغ که در این فرصت ها - از یادگیری و تمرین بی ریه و بی با شاعرهای تو خالی با زهوب زهم جا ده قیومست را آب جا رو کنیم.

فضای داخلی کشور را که اکثریت غالب و بیگانه اصلی ملت را در بر گرفته است، از ویژگیهای زندگی در فضا های آزاد که حدود ۲ میلیون از ما را جان پناه شده اند، بدقت بازشناخت - حکایت پردرد میلیون ها انسانی که در کوره های ستم می سوزند و قفس اختناق را به مراتب موثر تر از گذشته حس می کنند خود مقوله خاصی است.

آن ها اگر چه در گذشته و حال از تجربه ای زندگی در فضا های آزاد و نیز از تمرین و یا حتی مشاهده آثار "مشارکت" ممنوع بوده اند و همچنان محرومند - از جمیع حوادث و نقض درد بی فرجام، آموخته اند که پتک فاجعه، چه شد که فرو آمد و چه شد که از پا افتادند و اگر بنیاد اختناق را نیز هر روز تنگتر و تنگتر می بینند ولی بحکم تکرارها داستان چاه و چاله را در عرصه های عمل تجربه کرده اند و به همین دلیل می توان پیش بینی کرد.

همینکه فرصتی به جویان بچویند تن به راه و رسم رفته نخواهند داد، با اینهمه چون در دام مصیبت گرفتار رند، فریادشان به نجات نا منتظر و غیر طبیعی نیست.

پس مسئله رادار ارتباط با حال و قبال این قریب دو میلیون جلالی وطن کرده دنبال می کنیم، بخصوص از این با ست که اکثر، بهره مندا ز تخصص هائی هستند که این کشور ویران شده، فردا از جذب و حضور آنها ناگزیر است و مهمترین از این، انکار نیاید کرد که این گروه با لئسبه کثیر و موثر با هرتوشه ای فکری و عقیدتی در بنای نظام آینده اثر خوا هیند گذاشت.

جنبه ای حیاتی مسئله، بیشتر و بیشتر ظا هر خواهد شد، وقتی این پرسش اصولی را پاسخ بچویم:

آیا قصد گفت همان بذری است که حاصلش را خرمن کردیم و به جرقه های سوخت و فتنه شد؟ - و یا توسل به طرحی است که بقای ملی را در مشارکت ملی تبلیغ میکند؟

دیدگاه های ملی که بالطبع متکی به ارزش های دمکراسی است، روشن است - پس با یک میلیون نیز بی گفتگوست: ما تسدگار و مطونیت ما در این است که مشارکت ملی جا با زکند. توجه دارید که رژی در کار نیست - مسئله - براندازی البته در همان جد رفیع مانع از حاکمیت ملی (در جای خود معتبر است و مسلماً به لحاظ زمان بر مسئله ای جانشینی پیشی دارد ولی گرچه موضوع مکرر است به تا کیید و یاد آوریش می آرد که این دو مرحله بهم جوش خورده اند، تفکیک نا پذیرند، مگر آنکه بخواهیم یکبار دیگر به راهی حوادث تسلیم شویم که این در مصلحت ملت ایران و طبعاً در شاء ملیون ایران نیست - تنها راهی که با قسی میماند اینست که باید پربار از آگاهی و متکی به تجربه ها و خاصه با بیداری تمام و احساس مسئولیت در میدان بود و بر این واقعیت گردن نهاد که آنچه بر ما رسید از فقدان فکری بود، از تمیز و تشخیص مجرور بودیم و بسا زندگی در فضای آزاد بیگانه، با چنین برداشتی شک نباید کرد، آنها کسه برای گفتن و نوشتن و در مجموع برای روشنگری و تعلیم فرصتی و بی با ش قائل نیستند و بزرگ عمل" مشغولند حتی اگر مردمی خیر اندیش و دل سوخته و با حسن نیت هم باشند زیانکار رند و

مینیا توره های پوپک نادر پور
مینیا توره های پوپک نادر پور در گالری "باربیزون" در پاریس به نمایش گذاشته می شود.
این نما یشگاه روز بیستم ژوئن گشایش می یابد که طی چند روز آثار از نقاش در شیوه مینیا تورا ایرانی عرضه خواهد شد.
آدرس نما یشگاه:

LE BARBIZON 96 - 98, RUE DE LA FAISANDERIE 75116 - PARIS

تلفن خبری
نهضت مقاومت ملی ایران - لندن
شماره ۲۲۱۰۶۶۸

دهها هزار مسافر - زائر ایرانی به سوریه بود که از این راه مدها میلیون دلار عاید حکومت حافظ اسد می شد. در ماه های اخیر حکومت ملایان، توره های سوریه را بسا محدود کرده بود.

در حال حاضر چنین بنظر می رسد که کوشش های ملک حسین در راه آشتی دادن دودولت بعضی به پیروزی نیا نجا میده است، اما نزدیکان پادشاه اردن ناشی نومیدی بخود راه نمی دهند.

این امیدواری مقامات اردن با گزارش محمد علی بشارتی قائم مقام وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی - به حجت الاسلام خا منهای تایید دارد، زیرا مقام بلند پایه جمهوری اسلامی - در تهران گفته است: "رئیس جمهوری سوریه بر پشتیانی همه جانبه خود از جمهوری اسلامی تاء کید ورزید."

با استفا ده از گزارش خبرگزاری فرانسه و رادیو سراسر



تعویق کنفرانس وزرای امور خارجه

بقیه از صفحه ۱

۱۵ ژوئن خبر می دهد که ملاقات دو وزیر امور خارجه برخلاف گزارش های منتشر شده، به تاء خیر نیافت بلکه لغو شد.

این روزنا مه منبع این خبر را ذکر نمی کند ولی از آنجا که دو کشور عراق و سوریه در موضوع تعویق این کنفرانس حتی بیانیهای منتشر نگردانند، بنظر می رسد اختلافات فیما بین شدید تر از آن بوده است که مقامات دو کشور بتوانند در صورتورا علامیه تاء خیر کنفرانس به توافق برسند.

بسیست وجها رسا عت پس از انتشار خبر - تعویق کنفرانس وزیران، آقای جواد منصور معاون فرهنگی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در آس هیاء تی برای "گسترش مناسبات فرهنگی و آموزشی میان دو کشور" به دمشق سفر کرد. مهمترین روابط آموزشی و فرهنگی "دو کشور در سه سال اخیر، گسیل

توصیف کنند که: "بزودی بر طرف خواهد شد."

اما نشانه های دیگری نیز وجود دارد که احتمالاً خوش بینی اردن را در بر گذارد که اجلاس وزرای امور خارجه عراق و سوریه با تردید روبرو می کند. چند ساعت پیش از دیدار فاروق الطریق وزیر وزرای امور خارجه سوریه و عراق، آقای محمد علی بشارتی قائم مقام وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی به دمشق وارد شد و بلافاصله با مقامات سوریه بی به گفتگو پرداخت.

گفته شده است که آقای بشارتی از سوی حکومت تهران به مقامات دمشق قول داد که صدورنفت ارزان و رایگان ایران به سوریه ادامه خواهد یافت و جمهوری اسلامی برای دریافت ۲ میلیارد دلار طلب خود از سوریه مهلت کافی در نظر خواهد گرفت. وزنا مه السیاسه چاب کویت در شماره

تقاضا از خوانندگان

بعضی از خوانندگان ما تغییر آدرس خود را به موقع اطلاع نداده اند و آدرس بعضی دیگر ناقص است. به این جهت هر هفته تعداد قابل ملاحظه‌ای از قیام ایران از طرف پست برگردانده می‌شود. شورای نویسندگان قیام ایران تصمیم گرفت که فهرست اسامی مشترکین را تحت نظم و ترتیب دقیق تری درآورد. به این ملاحظه فوراً اشتراک زیر را بنظر خوانندگان عزیز می‌رسانیم. تقاضا داریم پس از تکمیل آن را از نشریه بریده و برای ما ارسال دارند.

خوانندگان که دوره روزنامه را جمع می‌کنند می‌توانند مشا به فوراً روی کاغذ جداگانه برای ما ارسال دارند. بطوری که در متن فوراً زیر ملاحظه می‌فرمایند، گرفتاری‌های مادی آن عده از هموطنان که در مضیقه مالی هستند، در نظر گرفته شده و حق اشتراک آن‌ها از محل کمک‌های سایر خوانندگان مانده می‌خواهد شد.

(برای تأمین حق اشتراک این گروه از هموطنان، کمک‌های بیشتر خوانندگان عزیز که امکان آن را دارند، بمنتظریم خواهش می‌کنیم)

بهای اشتراک با بیدار طریق بانک یا پست به فرانک فرانسه حساب بانکی قیام ایران حواله شود؛ لطفاً قبض رسید را به آدرس قیام ایران با ذکر - درخواست قیام ایران - روی پاکت ارسال فرمایند.

رادیو مطبوعه نهضت و واشنگتن

رادیو ایران - رادیو مطبوعه نهضت مقاومت ملی ایران شاخه واشنگتن - ویرجینیا - مریلند یکشنبه‌ها - از ساعت ۱۰ تا ۱۱ با مادامدرووی موج متوسط ۱۴۵۰ - W.O.I.

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۴۰ فرانک فرانسه - شش ماهه ۱۲۰ فرانک فرانسه - دانشجویان نصف قیمت

اینجا نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین:

نام خانوادگی: Nom

Name

نام: Prénom

Firstname

Adresse:

ما یکم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال به مدت شش ماه دریافت داریم.

مبلغ فرانک فرانسه به حساب بانکی نشریه به حساب پستی نشریه حواله شد.

قبض رسید به ضمیمه ارسال می‌گردد.

ما یکم نشریه قیام ایران را به مدت شش ماه دریافت داریم. ولی به علت

مضیقه مالی فعلاً امکان پرداخت حق اشتراک را نداریم.

تاریخ امضاء

(لطفاً در دایره مربوطه ضربدر بگذارد قسمت زائده خط بزنید)

حساب پستی: حساب بانکی:

QYAM IRAN
Crédit du Nord
78, Rue de la Tour
75116 Paris
Compte No: 11624700200

QYAM IRAN
C.C.P. No: 2400118/E
PARIS

ماجرای دو مدرسه خصوصی در تهران

بقیه از صفحه ۲

به اولیای دانش آموزان گفت "چنانچه فردا قانون اینگونه مدارس (یعنی مدارس خصوصی) در مجلس تصویب شود دیگر مشکلی برای این مدارس نخواهد بود." این گفته نشان دهنده دعوا و کشمکش‌های اصلی بر سر این دو مدرسه است. دو جناح رقیب، تندروهای چپ و محافظه کاران، در واقع منازعه بر سر تصویب قانون مدارس خصوصی را در پیس این دو مدرسه قرار داده بودند و از آنجا که اغلب اولیای دانش آموزان این دو مدرسه از افراد صاحب نفوذ در رژیم هستند با فشار بر آنان قصد داشتند در مورد تصویب این قانون امتیازاتی از جناح رقیب بگیرند و با تهمت بستن به آن‌ها که طرفدار سرمایه‌داری هستند از نفوذ و حیثیتشان درجا معبک‌ها کنند. اولیای مدارس چیت چیتان و مدرسه حتی دست به دامن‌ها شمی رفسنجانی شدند و طی نامه‌ای از او خواستند که آستین بالا بزنند و این مشکل را حل کنند. آقای هاشمی رفسنجانی درحالی که این نامه یادداشتی آمرانه نوشته اند که خود یک سند درخور توجه است، به این مضمون:

"جناب آقای اکرمی

با این گونه موارد باید با درایت برخورد شود که به اینجاست که در شرایط کنونی کشور نباید اجازه‌ای ساله آفرینی به ما مورانتان بدهید. اکبرها شمی رفسنجانی.

جنگ مدرسه‌ها

و خامت وضع سبب شده ملاقاتی در تاریخ ۲۲ فروردین گذشته بین اولیای دانش آموزان و وزیر آموزش و پرورش صورت گیرد که نمایندگان مجلس شورای اسلامی بانی آن بودند. وزیر آموزش طی این ملاقات سخنی بر زبان آورد که در آن روز وعده دهنده بود، اما اکنون یک معنای سیاسی پیدا کرده است. وزیر

قابل توجه

خوانندگان مقیم خارج از فرانسه

خوانندگان مقیم خارج از فرانسه که در زمینه حواله وجه اشتراک نشریه مشکلی داشته‌اند می‌توانند به آدرس‌های ذیل، به شرح زیر، مکاتبه نمایند.

N.A.M.I.R.
Postfach 121007
8000 MÜNCHEN 12
W. Germany
آلمان فدرال

N.A.M.I.R.
Postfach 523
1171 WIEN
AUSTRIA
اتریش

PO BOX 57278
WASHINGTON, D.C. 20037
U.S.A
امریکا

N.A.M.I.R.
PO BOX 313
LONDON W 2-4 QX
ENGLAND
انگلستان

PO BOX 130
14600 TULLINGE
SWEDEN
سوئد

TBS - MO 85
117/118 MAKER CHAMBER (V)
NARIMAN POINT
BOMBAY 400021
INDIA
هند

NEHZAT
P.B. 246
3230 AE BRIELLE
HOLLAND
هلند

A.CH
APARTADO CORREOS 50432
MADRID SPAEN
اسپانیا

NAMIR
PB-1002
STN. B. WILLODALE ONT
M2K 2T6 CANADA
کانادا

میخواره، عاشق پیشه و ماجراجو

بقیه از صفحه ۵

مانکن ۲۵ ساله‌ای آشنا می‌شود، بهیچ روی نمی‌داند که بحرقره‌اش مهر روی پایشان زده خواهد شد. به می‌خواهد که روی می‌آورد و برگویی پیشه می‌کند. زیاد حرف می‌زند، شاید از آن روی که زیاد می‌داند و حتی تا آنجا پیش می‌رود که آشکارا دعوی تروریست بودن می‌کند. به یقین این بار از آراء موریت سری‌اش سخنی نمی‌گوید. دست سرنوشت در روز هشت ماه مه او را نشان می‌کند. سیاه مست و عربده‌جو و تهدیدآلود وارد آپارتمان می‌شود. که زن برادرش در آن زندگی می‌کند. زن وحشت زده پلیس را می‌خواند و از حبیب بخاطر اخلاق درآرامش ساکنان ساختمان شکایت می‌کند. حبیب پسر آن می‌شود تا همه چیز را به پلیس بگوید. معشوقه تازه یافته نیز حرف‌های زن برادر را تصدیق می‌کند. پرونده حبیب هر لحظه قطورتر می‌گردد. والیته از این پس پروپیمان ترنیز خواهد شد. حبیب با ذوق و شوق جزئیات همه عملیاتش را تعریف می‌کند. و حتی جزئیات حالات روحی و ترس و تردیدهای را که سبب می‌شدند تا بعضی فرمانهای کارفرما باشد را اجرا نکند، شرح داده است. و حالا اینان برای تلافی جویی از تروریست مزدورشان دلایلی چند در دست دارند. حتی به همین دلیل هم برای حبیب بهتر آن است که در زندان باشد تا در هوای آزاد.

اونمان دوپاری - ۱۲ - ۱۸ ژوئن

اما هنوز یک ماهی از این دست‌سور آمرانه نگذشته بود که "ماء موران" آقای اکرمی، وزیر آموزش و پرورش، نوجوانان حزب الهی را به این دو مدرسه گسیل کردند، پرونده‌ی دانش آموزان را ضبط کردند و حتی به مستخدمان و سرایداران آن‌ها اجازه‌ی خروج نمی‌دهند. زمینه‌ی اجتناب و روانی این کار را از طریق جمع آوری طومار از معلمین مدارس گوشه و کنار و کشور صورت گرفت. اما عبدالحسین مدارس ویرجینیا از دست اندرکاران سندها می‌درخواستند که دست‌نشان می‌دهد به بسیاری از معلمانی که این طومارها را امضاء کرده‌اند زیر فشارتن به این کار داده‌اند و انجمن‌های اسلامی آنها را تهدید کرده‌اند که اگر این طومارها را امضاء نکنند آن‌ها را از مدرسه اخراج خواهند کرد.

واقعتاً اینست که اولیای دو مدرسه‌ی چیت چیتان و مدرس قصد دارند تا بهترین امکانات را برای آموزش فرزندان نشان فراهم کنند. بخصوص که تمام جمهوری اسلامی از بدو به قدرت رسیدن آن بوده که سطح آموزش را یکدست سازد، به این معنی که سطح آموزشی را تا نازلترین حد برساند که ما نندتاما می‌رژیم‌های به اصطلاح "مردمی" بتوانند دعای تسوی بکنند البته تسوی در فقر و نادانی. اولیای با نفوذ این گونه مدارس چنین نمی‌خواهند دست‌کم توقع دارند که امتیاز آنان به عنوان "نخبگان" جمهوری اسلامی شامل آموزش فرزندان نشان نیز بشود. البته جناح رقیب این امتیاز طلبی را به عنوان نقطه‌ی ضعف قلمداد می‌کند تا بتواند در مبارزه‌ی قدرت حریفان را از مرکز بیرون براند. در نتیجه حل مسأله‌ی دومدرسه‌ی چیت چیتان و مدرس اساساً "بسته به موفقیت یکی از این جناح‌هاست".

حشمت مهاجرانی :

غیبت تأسف بار

حشمت مهاجرانی، مربی پیشین تیم ملی ایران و مربی فعلی تیم ملی امارات متحده عربی، در یک مصاحبه با دفتر نشر اروپائی رادیو ایران، غیبت ورزشکاران جوانان ایران را در میدان های جهانی ورزش، تأسف بار خواند. مهاجرانی می گوید: اگر رژیم خمینی نیا آمده بود و جریان ورزش در ایران مسیبر طبیعی خود را طی می کرد ما امروز در مسابقات جهانی فوتبال جزو سه تیم نخست جهان بودیم... حشمت مهاجرانی، که در ماه اوت آینده برای تیم خود یک اردوی ورزشی در منطقه ویشی فرانسه برگزار خواهد کرد اعلام داشت که بزودی چند تن از فوتبالیست های ایرانی از جمله حسن روشن و مهرداد شاهرخی، چهره های درخشان تیم ملی ایران در تیم های ملی کشورهای خلیج فارس عضویت خواهند یافت. بنا به گفته حشمت مهاجرانی، در مسابقات فوتبال جام رمضان که در امارات متحده عربی برگزار شد، تیم تبعیدی ایران توانست به مقام نخست دست یابد.

سوره شبك جرم

دولت آمریکا اعلام کرد ممنوعیت صدور موادی را که برای ساختن سلاح های شیمیایی به کار می رود، شامل دولت سوریه نیز کرده است. برنارد کلب سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا ضمن اعلام این مطلب، گفت: ممنوعیت صدور این مواد از دو سال پیش، فقط شامل جمهوری اسلامی و عراق می شد. و اکنون برای آمریکا این نگرانی وجود دارد که سوریه دست به ساختن سلاح های شیمیایی بزند و آن را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهد. بر اساس اظهارات این سخنگو، آمریکا در جنگ میان جمهوری اسلامی و عراق، با حفظ بی طرفی، سعی بر آن دارد که از طریق میانجی گیری به این جنگ پایان دهد. برنارد کلب گفت: در چارچوب همین تلاش است که آمریکا با ممنوعیت صدور مواد اولیه ای که برای ساختن سلاح های شیمیایی به کار می رود، سعی بر آن دارد که از به کار گرفته شدن آن، توسط هر یک از دو طرف درگیر در جنگ جلوگیری کند.

خبرگزاری فرانسه

مسئله گروگان ها

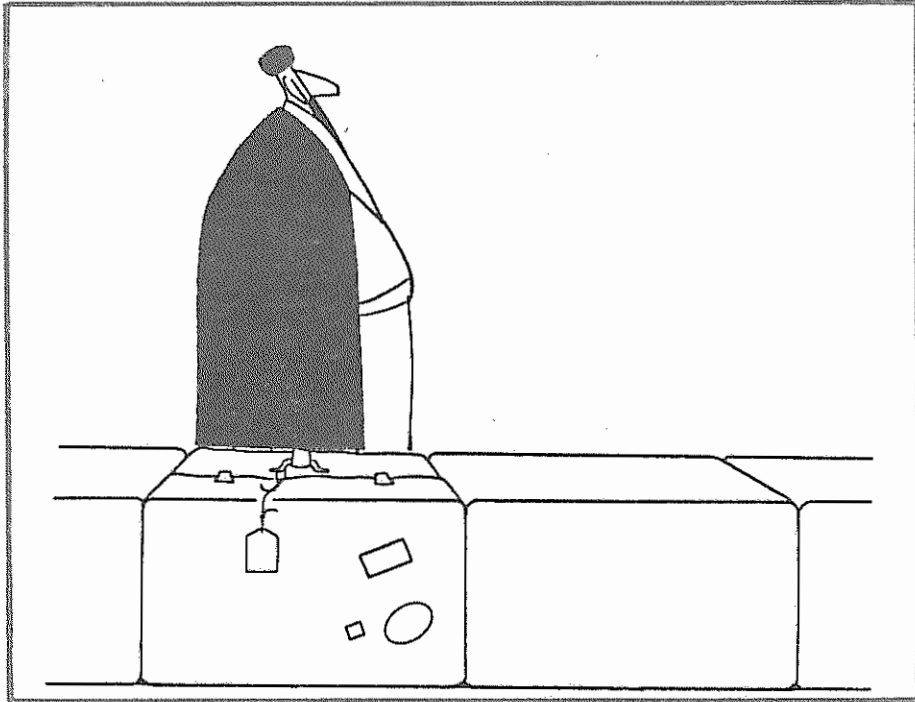
محمد علی بشارتی، معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی روز دهم ژوئن اعلام کرد که مسأله گروگان های خارجی در لبنان به هیچ وجه ارتباطی با جمهوری اسلامی ندارد. بشارتی که به قصد میانجی گیری میان جنبش شیعی امل و سازمان های فلسطینی در لبنان به بیروت سفر کرده اظهار داشت: "مسأله گروگان های آمریکایی و فرانسوی به ما ربطی ندارد و ما هیچ نقشی در این عملیات نداشته ایم و به همین دلیل نیز در آزادی آنان دخالتی نخواهیم کرد."

فروش سلاح به عربستان

رونا لدریگان رئیس جمهوری آمریکا موفق شد آرای موافق لازم را در کنگره آمریکا در مورد لایحه فروش سلاح های ما فوق مدرن به عربستان سعودی به دست آورد. کاخ سفید و اشنگتن فروش این سلاح ها را بخاطر حفظ منافع آمریکا در خاورمیانه، ضروری دانسته بود. این قرارداد به ارزش ۲۵ میلیون دلار شامل فروش ۱۶۶۶ موشک هوا به هوا و سایر تجهیزات است که از سال ۱۹۸۹ به عربستان سعودی تحویل داده خواهد شد. رونا لدریگان که از این موفقیت ابراز خوشنودی می کرد، گفت آمریکا به

قضیه آن دو ذرع پارچه

بقیه از صفحه ۱



مادق طباطبائی هفته ها دربار زداشت بسربرد و تلافی زیادی به عمل آمدت با لایحه آقای "گنیش" وزیر امور خارجه آلمان فدرال شخصاً با هم می آمدند و مقامات قضائی را قانع کرده به خاطر منافع عالی کشورشان، چشم رویبهم بگذارند و اجازه دهند مادق طباطبائی با قید ضمانت از زندان آزاد شود و "قاچاقی" از آلمان بگریزد و بعد از رفتنش دادگاه او را بطور غیابی محکوم کند. در قضیه پارچه ای برادر جانی خوشبختانه چون اولیاء دولت اسلام مثل گذشته بی تجربه نبودند هیچ کدام از این دردسرها پیش نیامد. هم آقای دکتر رجائی خراسانی و هم سخنگوی وزارت امور خارجه وهم مقامات دیگر جمهوری اسلامی از زمان ابتدا یکصد اعلام داشتند دست جنایتکاران امپریالیسم در کار بوده است و می خواستند با همان بیشرمی که اتهام قاچاق تریاک و بمب گذاری و آدم کشی و آدم ربایی به شخصیت های عالیندر جمهوری اسلامی وارد می کنند بهمت دزدی هم به آن ها بزنند. هوشیاری جمهوری اسلامی تا اینجا قابل تحسین بود اگر به همین اندازه که کتفا می کردند سروصدا می خوا بیدومکن بود واقعاً "کسانی هم باور کنند که قضیه سرقت از فروشگاه داستانی معمولی یا حداکثر سوء تفاهمی بیش نبوده است ولی از قرائن معلوم توطئه دیگری در کار است و امپریالیسم شیطان مفت این با رتوی جلد حجت الاسلام خا منهای رفته است که نگذارد قال قضیه بخوابد. مدافعات حجت الاسلام خا منهای از نماینده دائمی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد، حتی آن بچه های سیزده، چهارده ساله ای را که نسوار لبیک یا خمینی بدور سرشان بسته اند و میل داشتند با ورگندند داستان با رانی از نوع عملیات ساخته و پسر داخته شده رساله های صهیونیستی و امپریالیستی بوده است به شک انداخت و آن ها هم اکنون دیگری دانند یک چیز کسی

خودش او را به منزل برساند و فضا را چند کلمه ای هم راجع به روابط سیاسی ایران و آمریکا حرف بزند و آقایی سفیر به تنهایی می گوید به شما این قضیه ارتباط ندارد و ما با شما روابط نداریم و دنبال روابط هم نیستیم. با زفردا همین ما موراف بی. آی. تلفن می کند و همان جواب ها را می شنود و آن وقت تهدید می کند که اگر شما حاضر نشوید با من حرف بزنید قضیه را به تلویزیون و مطبوعات می رسانم و ما بقی قضا... بین آن بسیجی های سیزده، چهارده ساله به احتمال زیاد هستند بچه های که می دانند "اف. بی. آی." پلیس فدرال یا به عبارت دیگر اداره شهر با نی آمریکا است و ما موراف بی. آی. فقط به امور جنحه و جنایت مدخله می کنند نه به امور سیاسی. آن دستگا هی که در زمینها مورسیاسی و امنیتی فعالیت دارند اسمش اف. بی. آی. نیست، به آن می گویند "سی. آی. ا." یعنی همان که ما ایرانی ها با ختصا ر می گوئیم "سیا" و اگر یکی از ما موراف بی. آی. در کارهای سیاسی از قبیل تماس و مذاکره با سفرای خارجی دخالت کند، همان "سی. آی. ا." پوست از سرش می کشند. همچنین بین آن بسیجی های سیزده، چهارده ساله مطمئناً هستند بچه های که می دانند سازمان ملل متحد اگر چه مقرش در نیویورک واقع است ولی برای خودش به عنوان بزرگترین مرجع بین المللی استقلال نام و رسم نام دارد و حفظ حیثیت و شئون نمایندگان کشورهای مختلف از وظایف اساسی دبیر کل سازمان ملل متحد بشمار می آید. جمهوری اسلامی هر لحظه می تواند مستحکم است و می تواند از دید بزرگان سازمان ملل متحد رسماً درخواست کند برای رفع توهین از زمان بنده محترم جمهوری اسلامی و با زکردن دست توطئه گران امپریالیسم در باره اتهام وارد تحقیقات فوری بعمل آورد و نتیجه تحقیقات را به اطلاع جهانیان برساند. تحقیق در باره سرقت با رانی از تحقیق در باره کاربرد جنگ افزارهای شیمیایی دشوار تر نیست. چرا جمهوری اسلامی چنین درخواستی نمی کند و بچه علت دبیرخانه سازمان ملل متحد در کمال شرمساری سکوت اختیار کرده است؟ همچنین بین آن بسیجی های سیزده، چهارده ساله یقیناً "پیدا می شوند کسانی که کلمه "سو" به گونشان رسیده باشد. "سو" کلمه ایست که در آمریکا بر پشت صغیر و کبیر لرزه می اندازد. "سو" یعنی درخواست غرامت در آمریکا به محض آنکه شخص مستمسکی بدست آورد و بتواند مدعی شود که به نحوی از آنجا به حقوق خود و تاج و تزیینش از زمین رهگذر صدمه مالی یا جسمی یا روحی به وی رسیده است به دادگاه می رود و طرف مقابل را، اعم از اینکه شخص حقوقی باشد یا حقیقی، "سو" می کند. به جای این همه روضه خوانی و بیهودگی آقای دکتر رجائی خراسانی در کلمه عرض حال بدهد و فروشگاه آکسلسدر نیویورک را "سو" کند، با غرامتی که در صورت حاکم شدن عاید آقای دکتر رجائی خواهد شد می تواند برای خودش در نیویورک یک فروشگاه بزرگ لباس داشته باشد. این که چرا سفیر آیت الله و مشاوران حقوقی جمهوری اسلامی از این فرصت استفاده نمی کنند برای ما معلوم نیست. شاید به دلیل اینست که مدیر فروشگاه آکسلسدر راست می گویند و فیلم کامل سرقت را که توسط دوربین مخفی فروشگاه ضبط شده است در اختیار

میلیون دلار موشک های استینگر را از لایحه پیشنهادی حذف کرد. تعداد زیادی از اعضای کنگره ترس از این داشتند که این موشک ها، به طریقی به دست تروریست ها بیفتد. خبرگزاری فرانسه

نشانی: QYAM IRAN C/O C.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

خاورمیانه، برای صلح جهانی اهمیت حیاتی دارد و ما باید اعتماد دولت های عرب میانه رو را نسبت به خودمان حفظ کنیم. لازم به یاد آوری است که ریگان برای به دست آوردن آرای لازم در کنگره ای آمریکا، قسمت مربوط به فروش ۸۹

امنیت و بهبود وضع عربستان سعودی اهمیت می دهد و ثبات وضع در خلیج فارس را یک مسئله حیاتی می شمارد. بعلاوه آمریکا متعهد شده است که آزادی کشتیرانی در خلیج فارس را تا میمن کند. وی همچنین گفت: نفوذ آمریکا در

